

دست پر نیروی دریایی سپاه ثمره مجاهدت شهید تنگسیری



صداق جنگیم

ما مردیم
واز جنگ نمی ترسیم
(امام خمینی (ره))

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۳۱ | دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ | ۱۰ شوال ۱۴۴۷ | ۳۰ مارس ۲۰۲۶ | ۱۰ صفحه | نسخه الکترونیکی

۲ سرمقاله



علی حیدری

۲ نگاه



مهدی عامری

۷ راهبرد



نوید کمالی

معماری انسجام ملی

رهز درخشش

۳ پرونده

فرمانده زنبورهای سرخ دریا

۵ پرونده

سردار دریایی

برداشت هایی از
فرمانده شهید نیروی دریایی سپاه

۳ پرونده

ناخدای جنگ

۳ پرونده



سنگر شکنی
برای تخریب تمدن غرب!

مهدی عامری

کارشناس
علوم اسلامی

در جنگ اخیر تعداد زیادی از جوانان نخبه انقلابی بر اثر حمله دشمن وحشی به شهادت رسیدند. در فضای فکری جهان معاصر، به‌ویژه در دوقرن اخیر، الگوی غالب توسعه علمی از بسیاری از روایت‌ها با نوعی سکولاریسم همراه بوده است. در این روایت، پیشرفت علمی معمولاً با فاصله گرفتن از دین یا حداقل بی‌طرفی نسبت به آن تعریف شده است. به همین دلیل، در ذهن بسیاری از تحلیلگران، «دانشمند مدرن» فردی است که هویت علمی‌اش از باورهای دینی جدا تلقی می‌شود.

اما وقتی نسل جدیدی از جوانان پدیدار می‌شوند که هم در حوزه‌های پیشرفته تخصصی فعالیت دارند و هم هویت دینی و اعتقادی پررنگی دارند، این تصویر رایج را به چالش می‌کشند. چنین افرادی فقط یک متخصص نیستند؛ بلکه به نماد یک امکان جدید تبدیل می‌شوند. اینکه علم پیشرفته، ایمان دینی و حضور اجتماعی سیاسی همراه با انقلابی بودن و معنویت می‌تواند در یک شخصیت جمع شود. از این منظر، وجود چنین چهره‌هایی تنها یک موضوع فردی نیست؛ بلکه پدیده‌ای نمادین است و نشان می‌دهد مسیر دیگری نیز برای پیشرفت علمی وجود دارد.

در تجربه تاریخی اروپا، درگیری‌هایی میان برخی نهادهای دینی و جریان‌های علمی رخ داد که بعدها به شکل یک روایت فراگیر درآمد: اینکه علم و دین ذاتاً در تعارض هستند. اما در سنت فکری اسلامی، چنین تقابلی دیده نمی‌شود. بسیاری از متفکران مسلمان، علم را بخشی از شناخت آیات الهی می‌دانستند. بنابراین، ظهور نسل‌هایی از دانشمندان که هم دیندارند و اهل معنویت و هم در فناوری‌های پیچیده فعالیت می‌کنند، از نگاه برخی تحلیلگران می‌تواند نوعی بازسازی همان پیوند تاریخی میان ایمان و دانش تلقی شود. به بیان دیگر، چنین افرادی عملاً با زندگی و مسیرشان این ادعا را به چالش می‌کشند که «دینداری مانع پیشرفت علمی است». همین امر موجب می‌شود حضور و نفس کشیدنشان، حامل یک پیام فکری نیز باشد که برای مبانی فکری مدرنیته خطرناک است. اما آنچه پس از شهادت این عزیزان رخ می‌دهد علاوه بر توسعه این الگوی خاص، الهام‌بخشی است. وقتی یک جامعه چنین رخدادهایی را در چارچوب نمادین و الهیاتی تفسیر می‌کند، شخصیت‌هایی که شهید شده‌اند، به الگوهای فرهنگی تبدیل می‌شوند. روایت زندگی آنها می‌تواند الهام‌بخش نسل‌های بعدی باشد و این پیام را منتقل کند که علم، ایمان و مسئولیت اجتماعی می‌توانند در کنار هم معنا پیدا کنند و این به بخشی از حافظه فرهنگی و معنوی جامعه تبدیل می‌شود. تعداد این جوانان در ساختار آموزشی و پژوهشی کشور بسیار است و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم بومی تا سال‌های سال از طریق این ایده ادامه خواهد داشت.

یک ماه دفاع جانانه

از خطای محاسباتی تا بن‌بست راهبردی دشمن



علی حیدری

سردبیر

اما اکنون و در آستانه چهلمین روز از آغاز تجاوز، شاهد نوعی دوگانگی رفتاری در میان تصمیم‌گیران آمریکایی و صهیونیست‌ها هستیم. در کنار ناکامی‌های نظامی دشمن، تحلیلگران نظامی غربی نیز در یادداشت‌های اخیر خود اذعان کرده‌اند که زیرساخت‌های حیاتی ایران نه تنها از کار نیفتاده، بلکه زنجیره تولید و تأمین تجهیزات دفاعی با سرعتی فراتر از پیش‌بینی‌ها در حال بازسازی است.

اما آنچه پیش از هر چیز نشان‌دهنده بن‌بست راهبردی متجاوزان است، تلاش بی‌وقفه آنها برای تغییر روایت ماهیت جنگ است. در حالی که پنتاگون و کابینه جنگ رژیم صهیونی در هفته اول بر پایان کار جمهوری اسلامی تأکید می‌کردند، اکنون به دنبال تعریف واژه‌هایی چون «بازدارندگی جدید» و «توازن قوا» هستند. این تغییر کفتمان، چیزی جز تلاشی مذبوحانه برای پنهان کردن ناکامی و ایجاد پوششی برای خروج از بحران نیست.

وقتی محاسبات نظامی غلط از آب درمی‌آید و ماشین جنگی در باتلاق مقاومت فرو می‌ماند، محور شرارت به طور طبیعی به سمت ابزارهای جایگزین حرکت می‌کند. این روزها، شدت جنگ روانی و شناختی علیه ملت ایران به مراتب بیشتر از هفته‌های اولیه تهاجم است. آنچه در رسانه‌های معاند و شبکه‌های اجتماعی تحت عنوان تحلیل منتشر می‌شود، در واقع نقشه راهی برای تحقق همان اهدافی است که در میدان به آنها نرسیده‌اند؛ ایجاد اختلاف، چنددستگی و القای ناامیدی.

دونالد ترامپ، که در روزهای ابتدایی جنگ با لحنی طلبکارانه و مقتدرانه از «آخرین هشدار» سخن می‌گفت، اکنون در شبکه اجتماعی خود، پست‌هایی با مضمون «بی‌کفایتی متحدان منطقه‌ای» و «هزینه‌های سنگین جنگ» منتشر می‌کند. او که پیشتر وعده «تغییر سریع» را داده بود، اکنون در پیام‌های خود، ضمن نادیده

گرفتن واقعیت‌های میدانی، سعی دارد افکار عمومی آمریکا را متقاعد کند که «این جنگ، جنگ دلخواه من نبود». این تغییر لحن، حاکی از فشار فزاینده کنگره و افکار عمومی آمریکا بر کاخ سفید برای توقف یک جنگ فرسایشی بی‌نتیجه است.

در سوی دیگر، بنیامین نتانیاهو که خود را در معرض بزرگ‌ترین چالش داخلی تاریخ رژیم صهیونی می‌بیند، با صدور ویدئوهای ضد و نقیض و اظهارات متناقض، سعی در مدیریت افکار عمومی ساکنان سرزمین‌های اشغالی دارد. در حالی که خانواده‌های اسرای صهیونیست و شهرک‌نشینان شمالی به شدت نگران تداوم جنگ و تلفات روبه افزایش هستند، نتانیاهو تلاش می‌کند «پیروزی» را در «ادامه جنگ» تعریف کند؛ پارادوکسی که نشان از سردرگمی کامل در رأس هرم تصمیم‌گیری دشمن دارد.

تأکید مکرر سران دو رژیم متجاوز بر موضوعاتی مانند «تفاوت میان مردم و نظام» یا «ناراضی‌های داخلی» در تئوت‌ها و سخنرانی‌های‌شان، بیان‌کننده تغییر استراتژی از نبرد نظامی به پروژه «تغییر از درون» است. این همان جنگ شناختی پیچیده‌ای است که دشمن با سرمایه‌گذاری عظیم رسانه‌ای و با بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، در تلاش برای تحقق آن است؛ زیرا دشمن به خوبی دریافته است که رمز شکست‌ناپذیری ایران، در همستگی ملی و انسجام بین مردم و نیروهای مسلح است. به همین دلیل، امروز هدف اصلی پروژه جنگ شناختی، خدشدار کردن این انسجام و القای فضای یأس و دوگانگی در میان افکار عمومی است. تحلیل محتوای شبکه‌های خبری معاند نشان می‌دهد، آنها با گزینش اخبار، بزرگ‌نمایی برخی نقاط ضعف و نسبت دادن تحلیل‌های غیرکارشناسی به منابع داخلی، سعی در شکل‌دهی به یک

«روایت جایگزین» دارند. اما تجربه بیش از یک ماه مقاومت و نبرد جانانه نشان داد که ملت ایران با درک صحیح از شرایط، فریب این توهّمات را نخواهند خورد. هوشیاری مردم در برابر شایعه‌پراکنی، حضور آگاهانه در فضای مجازی و حمایت همه‌جانبه از نیروهای مسلح، بزرگ‌ترین مانع در برابر تحقق اهداف دشمن در جنگ روانی و شناختی است.

اکنون که بیش از یک ماه از تجاوز به ایران اسلامی می‌گذرد، اگر چه تحریم‌ها و فشارهای همه‌جانبه ادامه دارد، تصویری روشن از یک واقعیت پیش روی جهانیان قرار گرفته است؛ محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، برخلاف پیش‌بینی‌های مراکز اطلاعاتی غرب، نه تنها شکستنده و ضعیف نیست، بلکه با اتکا به توانمندی‌های بومی، پشتیبانی مردمی و رهبری هوشمندانه، به یکی از بازیگران غیرقابل حذف در معادلات امنیتی منطقه تبدیل شده است.

دشمن که در میدان نبرد سخت به اهداف شوم خود نرسیده، اکنون با تمام توان به دنبال «جنگ شناختی» برای دستکاری ذهنی مخاطبان و تغییر محاسبات مسئولان است. نگاهی به پیام‌های ضد و نقیض ترامپ و نتانیاهو، بیش از هر چیز نشان‌دهنده سردرگمی، ناامیدی و تلاشی مذبوحانه برای خروج از بحران پیش آمده است. امروز وظیفه آحاد جامعه، به ویژه نخبگان و اصحاب رسانه، هوشیاری در برابر این توطئه پیچیده و تبیین دستاوردهای عظیم این دوره از مقاومت تاریخی است؛ مقاومتی که نشان داد «محاسبات ۴۸ ساعته» در برابر «دفاع جانانه و عزت پایدار» ملت ایران، نه تنها کارآمد نیست، بلکه به بن‌بست راهبردی برای متجاوزان کودک‌کش منجر می‌شود.

«باید بجنگیم» یا «نمی‌توانیم که نجنگیم»؟
مسئله این است!

روی خصلت جنگ‌طلبی و خشونت‌طلبی مردم ایران، که از روی آگاهی این مردم در قبال آینده خویش است. مردم ایران در این چند هفته به خوبی نشان دادند که موضوع نه نظام سیاسی، که در وهله اول امنیت ملی و تمامیت ارضی است و تأمین این ارزش‌ها اکنون در گرو حمایت از جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح کشور اعم از ارتش، سپاه و نیروی امنیتی انتظامی و بسیجی است. مسئله سازش و آتش‌بس، در شرایطی که تعیین‌کننده آینده سیاسی مردم ایران نباشد، دور باطلی است که بار دیگر سایه جنگ را بر سر ملت ایران می‌آورد و ابر سیاه تهدید را برای مدت‌ها در آسمان ایران مستقر می‌کند. با در نظر داشتن اهمیت جنگ از منظر تعیین‌کنندگی است که نیروهای اجتماعی می‌توانند در حد بضاعت خویش به کنشگری و اقدام فعالانه دست بزنند و از انفعال و انزوا بگریزند. پایان این جنگ یا آزادسازی روح عدالت‌طلبی مردم رنج‌کشیده این منطقه است یا تقویت و تشدید سیاست به بردگی گرفتن ما به دست دشمن و نابودی سرزمین‌های مان. حال این ما هستیم که می‌توانیم بنیانگذار صحنه جدیدی در تاریخ باشیم و با شکست دشمن و اخراج آمریکا، دوره تازه‌ای را به ارمان بیاوریم.

پس آن میلیون‌ها نفر تلفات دادیم، اما یک بار به مدت هشت سال مقاومت کردیم و تنها ۳۰۰ هزار شهید تقدیم ایران کردیم. راه ساده، لزوماً عاقبت خوشی برای ما نخواهد داشت.

حال در این میانه، ایران به ساعت صفر رسید و جنگی که بعد از انقلاب اسلامی برخی از آن حذر داشتند و بسیاری آرزوی وقوعش را در دل تمنا می‌کردند، آغاز شد. جمهوری اسلامی اکنون با دو قدرت اتمی جهان، یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی وارد نبردی سخت شده و تمام هستی خود را در برابر این جنگ به میان آورده است. جغرافیای گسترده این نبرد که کل منطقه را شامل شده است، در کنار شهادت و فقدان شخصیت‌های مهمی چون رهبری معظم، فرمانده کل سپاه، فرمانده ستاد مشترک، دبیر شورای امنیت و هزاران نفر از نیروهای نظامی و امنیتی و البته مردم ایران، گواهی بر عظمت و اهمیت این نبرد است. نتیجه این جنگ است که روح جدیدی در تاریخ را به میان می‌آورد و تعیین‌کننده جهت‌گیری تقدیر ما و بسیاری از مردم این منطقه است. در وضعیتی که ایرانیان مبارز و همینطور دشمن صهیونیستی، موجودیت خود را در خطر می‌بینند، نتیجه جنگ است که تعیین‌کننده آینده منطقه و سرنوشت مردم آن است.

اصرار بر مبارزه که این روزها خواست نیروهای مسلح با پیوست مهم اجتماعی است، نه از

تغییر دهیم و سیاست و جهت‌دهی جدیدی را آغاز کنیم. ایران نخواست مهره‌ای در زمین بازی نظام سلطه در منطقه خاورمیانه باشد و نتیجه‌ای که امروزه برای شبه‌کشورهای خلیج فارس و حتی کشورهای با ریشه‌های نظیر مصر و ترکیه می‌بینیم، برای خود متصور شود. اراده ملی ایرانیان، ایرانی کنشگر و فعال را طلب می‌کرد و این اراده چیزی نبود که بعد از قرارداد وستفالی پس از جنگ جهانی اول و ساخت رژیم اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم و سال ۱۹۴۸، امر مطلوب و قابل پذیرشی از سوی مدعیان اداره جهان باشد. عاقبت این انتخاب و تداوم آن با پیوست حمایت‌های اجتماعی بزرگ که در جنگ هشت ساله، بحران‌های سیاسی و اجتماعی و رکود اقتصادی به خوبی خودش را نشان داده، چیزی جز ساعت صفر نبرد با فاتحان جنگ جهانی دوم نبود که خود را صاحب و ناظم خاورمیانه می‌دانند.

جنگ با اسرائیل یک سرنوشت محتوم برای ماست و ایرانیان در این برهه بین یک تقدیر سخت (مبارزه و مقاومت) و یک تصمیم آسان (تسلیم و سازش) در دوراهی قرار می‌گیرند. ثمره انتخاب اول قطعاً ایجاد نظم جدید در منطقه با کنشگری مؤثر ایران خواهد بود و انتخاب دومی برحسب تجربه، عاقبتی مانند سوریه و در نوع بدتر، مانند لیبی، یادمان نرود؛ ما در تاریخ معاصر دو بار تسلیم شدیم و در



محمد مهدی اسکندری

کارشناس سیاسی

«اسلاوی ژیزک» فیلسوف و اندیشمند شهیر اسلونیایی در حوزه سیاست، در مقاله پراوازه خود با نام «وجه و قیح حقوق بشر» وقتی می‌خواهد درباره وقوع یک انقلاب اصیل سخن بگوید، دوگانه مهمی را پیش می‌کشد. او می‌گوید انقلاب ough به معنای «باید» نیست، به تعبیری انقلاب یک «باید» مانند یک آرمان که بخواهیم در راه آن قدم برداریم، نیست تا با عمل انقلابی خود به نتیجه مطلوب خود برسیم؛ بلکه انقلاب یک must است، یعنی وضعیتی که «نمی‌توانیم آن را دنبال نکنیم» و ضرورتی است که گریزی از آن وجود ندارد.

با وام گرفتن از این دوگانه، موضوع نزاع ایران و رژیم صهیونیستی برای مردم کشور ما یک آرمان ساختگی و تصنعی نیست که بعد از ۵۷ به وسیله عده‌ای از سران جمهوری اسلامی و نظریه‌پردازان اسلام سیاسی شکل گرفته باشد، بلکه سرنوشت محتومی است که بعد از اراده ملی ایرانیان در سال ۱۳۵۷ و وقوع انقلاب گریزی از آن نبود. ما چه خوش‌مان بیاید و چه خوش‌مان نیاید، در سال ۱۳۵۷ تصمیم گرفتیم پارادایم زیست سیاسی خود را

ناخدای جنگ

مروری بر زندگی و سلوک شهید والا مقام سردار علیرضا تنگسیری

«شهید علیرضا تنگسیری» در همان کوه‌های آفتاب‌خورده و میان گرمای جنوبی که با شوری دریا درهم می‌آمیخت، قد کشید. آبادان برای او فقط شهری در جنوب نبود. جایی بود که دلش با آب و خاکش گره خورد، جایی که نگاهش به افق‌های دور خلیج فارس دوخته شد و در دلش عهدی نانوخته برای دفاع از این پهنه نیلگون شکل گرفت. دریابان پاسدار شهید علیرضا تنگسیری، از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۹۷ فرماندهی نیروی دریایی سپاه را برعهده گرفت. نام او طی سال‌های اخیر بارها در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی مطرح شد؛ چه در جریان رزمایش‌های خلیج فارس، چه در مواضع صریح درباره حضور نظامی آمریکا در منطقه و چه در واکنش‌های سیاسی و تحریم‌هایی که از سوی غرب علیه او اعمال شد.

◆ فرزند آبادان، نگهبان خلیج فارس

دریابان تنگسیری متولد سال ۱۳۴۱ و اصالتاً اهل استان بوشهر و بخش ساحلی شهرستان تنگستان بود، اما به دلیل اشتغال پدرش در منطقه اروندکنار، سال‌های رشد و نوجوانی خود را در استان خوزستان و شهر آبادان سپری کرد؛ شهری که نزدیکی اش با دریا و خاطره مقاومت مردم جنوب، بر روحیه و مسیر زندگی او تأثیر عمیقی گذاشت. در سال‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق، تنگسیری فرماندهی یک تیپ از نیروی دریایی را برعهده داشت و در همان دوران به عنوان یکی از نیروهای فعال در صحنه‌های عملیاتی شناخته شد. سال‌ها بعد، تجربه و سابقه میدانی او موجب شد مسئولیت‌های مهم‌تری را در ساختار نیروی دریایی سپاه برعهده بگیرد.

او از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ فرماندهی منطقه یکم دریایی سپاه در بندرعباس را برعهده‌دار بود؛ منطقه‌ای راهبردی که بخش مهمی از امنیت آب‌های جنوبی کشور را دربر می‌گیرد. پس از آن نیز از ۳۰ خرداد ۱۳۸۹ تا اول شهریور ۱۳۹۷، به مدت هشت سال به عنوان جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران فعالیت کرد و در این مدت در طراحی و اجرای برنامه‌های دفاعی و رزمایش‌های دریایی نقش داشت.

◆ فرماندهی که خار چشم آمریکا بود

در مرداد ۱۳۹۷ و همزمان با نزدیک شدن به زمان اجرای تحریم‌های آمریکا علیه ایران، نیروی دریایی سپاه رزمایشی در خلیج فارس برگزار کرد که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهانی داشت. در آن زمان تنگسیری جانشین فرمانده این نیرو بود. «ژنرال جوزف ووتل» فرمانده وقت ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، در واکنش به این رزمایش اعلام کرد، این اقدام پیامی آشکار درباره توانمندی نظامی ایران در آستانه اجرای تحریم‌ها بوده است.

علیرضا تنگسیری در مواضع رسانه‌ای خود نیز بارها درباره امنیت خلیج فارس سخن گفته بود. او در گفت‌وگویی با شبکه «العالم» تأکید کرده بود: «هر شناسایی که وارد خلیج فارس و تنگه هرمز می‌شود، تحت کنترل ما قرار دارد و این موضوع جزء مأموریت‌های ذاتی نیروی دریایی سپاه است.»

در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۹، وزارت خارجه آمریکا نام تنگسیری را به همراه هفت فرمانده دیگر سپاه پاسداران در فهرست تحریم‌ها قرار داد. این اقدام با ادعای نقش این افراد در برنامه موشکی ایران و برخی حوادث مرتبط با کشتی‌های تجاری در آب‌های بین‌المللی صورت گرفت.

سرانجام در دهم فروردین ۱۴۰۵، دریابان پاسدار شهید علیرضا تنگسیری پس از انجام مأموریت‌هایی در پی ضربات سنگین به دشمن که به نابودی تأسیسات و زیرساخت‌های مهم آنها و سقوط یک جنگنده آمریکایی انجامید، در حالی که در حال ساماندهی و تقویت نیروها و استحکام سپر دفاعی جزایر و سواحل کشور بود، بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید.

◆ اقدامات شهید تنگسیری در سمت فرماندهی نیروی دریایی سپاه

هنگامی که فرمانده کل قوا، ایشان را به عنوان فرمانده نیروی دریایی سپاه منتصب کردند، سه مأموریت کلیدی در حکم وی مدنظر قرار گرفت؛ از جمله بهره‌گیری از نیروی انسانی متعهد، ارتقای آموزش و هماهنگی با سایر بخش‌های سپاه و نیروهای مسلح، و توسعه هر چه بیشتر زرادخانه و تجهیزات دریایی. کارنامه هشت ساله این فرمانده بوشهری نشان می‌دهد، این اهداف به شکل چشمگیری محقق شده است.

بومی‌سازی دانش ساخت انواع شناورهای کوچک و بزرگ و تربیت صدها نیروی متخصص و ذخیره‌سازی دانش در بخش‌های گوناگون سبب شد تا رشد علمی و فنی این حوزه فراگیر شده و حتی با عروج او نیز اکنون سرمایه بزرگ این عرصه در همه ابعاد نسل به نسل میان فرماندهان و رزمندگان جریان دارد.

ارتقای توان عملیاتی نیروی دریایی سپاه در حوزه جنگ الکترونیک، شناسایی هوایی و عمق‌بخشی به عملیات‌های پهبادی به شکل بی‌سابقه‌ای در دوران این فرمانده سلحشور ارتقا یافت؛ به گونه‌ای که این نیرو و از خرمشهر تا چابهار و در تمامی آب‌های شمالی کشور قدرتی متمرکز یافته است.

سردار شهید تنگسیری در طول این سال‌ها، همواره بر افزایش هماهنگی میان نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش تأکید و باور عمیق داشت و همکاری عملیاتی و اطلاعاتی این دو نیرو و در طول سال‌های اخیر را به سطح ویژه‌ای ارتقا یافت. برگزاری رزمایش‌های پیچیده و ترکیبی در پهنه خلیج فارس و دریای عمان، نشان‌دهنده ارتقای هماهنگی بین‌نیروی و افزایش آمادگی رزمی در دوران فرماندهی وی بوده است.

از دیگر اقدامات شاخص در این دوره، می‌توان به توسعه گسترده موشک‌های کروز دریایی، از درهای هوشمند، شناورهای تدریجی و سامانه‌های پهبادی اشاره کرد. سردار شهید تنگسیری با تکیه بر توان داخلی و بومی‌سازی، توانست نیروی دریایی سپاه را به یکی از بازوهای اصلی بازدارندگی کشور تبدیل کند.



رزم درخشش

بازخوانی تکیه کلام زیبای شهید تنگسیری

جوهره این تکیه کلام به شکل‌های گوناگون و به اقتضای شرایط و سخنرانی‌ها مضامین و خاطره‌گویی مرتب در کلام این شهید خدایی تکرار می‌شد. چند سال قبل به اتفاق معاونان سیاسی رده‌های سپاه، در ستاد نیروی دریایی در بندرعباس، مهمان این شهید والا مقام بودیم.

در سخنرانی و پاسخ به پرسش‌های همکاران، از پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها و دستاوردهای بی‌نظیر در نیروی دریایی سپاه می‌گفت؛ اما برای هر نکته، موفقیت، دستاوردی و باز شدن گره‌ای در یک پروژه، مرتب تکرار می‌کرد: «فقط کار خداست».

آری، اگر امروز نیروی دریایی سپاه، در کنار سایر نیروهای دیگر چنین درخششی دارند، به برکت وجود فرماندهانی مخلص و پرتلاش چون شهید تنگسیری است.

شهید تنگسیری با تمام وجودش، یک مجاهد فی سبیل‌الله بود. اگر او در ساخت قدرتمند نیروی دریایی سپاه، هم از جهت تربیت نیروی رزمنده مؤمن، انقلابی، مجاهد و ولایتمدار، و هم از جهت فراهم کردن تجهیزات، امکانات و هر آنچه برای این روزهای نبرد تاریخی لازم بود، به صورت کاملاً موفق عمل کرد، با اطمینان می‌توان دلایلش را در نگاه توحیدی او جست‌وجو کرد.

این دلاورمرد تنگستانی که تداوم بخش راه و مرام شهید رئیسعلی دلواری و دیگر شهدای پرآوازه و پرافتخار بوشهر چون شهید مهدوی است، مصداق بنده‌ای با این خصوصیت و ویژگی بندگی است که فرمود: «من کان لله کان الله له».

این شهید والا مقام خود را برای خدا تعریف کرد و با اخلاص او را اطاعت کرد، خداوند هم برای او شد و نتیجه این خدایی شدن را، طبق وعده خداوند که فرمود: «والذین جاهدوا فینا لنهبدینهم سبلنا»، در پیشرفت‌های نیروی دریایی سپاه و کارآمدی این نیرو به شکل تمام معجزه در جنگ رمضان، جهانیان تا کنون مشاهده کرده‌اند و زین‌پس چه بسا بیشتر هم مشاهده کنند. آری، شهید تنگسیری خود را با دو ویژگی ممتاز صدق و اخلاص که اوج بندگی خداوند متعال است، با مجاهدت‌هایش بالا برد تا در نهایت با شهادت، با این فوز عظیم در جایگاه «عند ربهم یرزقون» قرار گرفت.

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



۱ ترامپ متوهم و خودخداپندار، همان روز اول جنگ باصراحت اعلام کرد؛ ارتش آمریکا نیروی دریایی ایران را نابود کرد!

۲ با عبور از روزهای اول جنگ و زیر آتش رفتن پایگاه‌های آمریکایی در منطقه و نابودی یکی پس از دیگری این پایگاه‌ها، و قدرت‌نمایی نیروی دریایی سپاه در این تهاجم و خصوصاً کنترل هوشمند تنگه هرمز، ترامپ چاره‌ای جز یک اعتراف نداشت. او با صراحت گفت؛ فکر نمی‌کردم نیروی دریایی ایران این قدر قوی باشد!

۳ قدرت نیروی‌های مسلح جمهوری اسلامی و از جمله قدرت نیروی دریایی سپاه با تسلط محیرالعقول بر خلیج فارس و تنگه هرمز با رویکرد اعمال حکمرانی ایران بر تردد کشتی‌ها بر اساس یک رژیم حقوقی به اقتضای شرایط جنگی، همه را در جهان غافلگیر کرد.

ترامپ هرگز پدیدایی چنین وضعیتی را متصور نبود. اکنون اقتصاد جهان، بازارهای مالی و بورس و قیمت انرژی، به شدت تحت تأثیر وضعیتی قرار گرفته که ایران با مدیریت مبتکرانه جنگ و به ویژه با کنترل تنگه هرمز در اختیار دارد.

۴ دریابان شهید علیرضا تنگسیری، هرگاه در پاسخ به تهدیدهای دشمنان و از جمله آمریکا سخن می‌گفت، بر نکته‌ای تأکید می‌کرد و آن، اینکه دشمن قدرت واقعی ما را فقط در میدان جنگ خواهد دید!

آری، امروز نه تنها ترامپ متوهم و دیگر دشمنان، بلکه همه دنیا از قدرت ایران در رویارویی با دو قدرت اتمی، آن هم با دست برتر شگفت زده شده است.

۵ اما تکیه کلام زیبای این دلاورمرد تنگستانی که شهادت بر او مبارک باد، این بود که همواره در لابه‌لای جملات و کلماتش تکرار می‌کرد:

«والله هر چه داریم از خداست.»

راه شهید تنگسیری خلیج فارس را به گورستان آمریکایی‌ها تبدیل می‌کند

آیت‌الله محمد عبادی‌زاده، نماینده ولی‌فقیه در استان هرمزگان و امام جمعه بندرعباس در آیین تشییع پیکر مطهر دریابان شهید علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با گرامیداشت یاد و خاطره این شهید والا مقام، به تبیین ابعاد شخصیتی و جایگاه او در تاریخ مقاومت پرداخت.

وی با سلام و درود بر شهید تنگسیری گفت: سلام و درود بر فرمانده عزیز و شهید شهیدان هرمزگان و آب‌های خلیج فارس که هنوز صدای قدم‌های ایشان را می‌شنود سلام بر عزیز ما که مهر و اخلاق را با سلامت و اقتدار در هم آمیخت و از او یک فرمانده به‌یادماندنی در طول تاریخ تصویر کشید.

امام جمعه بندرعباس با اشاره به محبوبیت این فرمانده در میان مردم خطه جنوب افزود: سلام و درود به فرمانده عزیز ما، شهیدی که مردم خطه جنوب از خوزستان، بوشهر، هرمزگان و همه جای این میهن اسلامی او را از خودشان می‌دانند و حقیقتاً همین‌گونه است.

آیت‌الله عبادی‌زاده با تأکید بر تداوم راه شهید تنگسیری توسط همزمانش تصریح کرد: توفرتی اما بدان که همزمان تو، مجاهدان عزیز و رزمندگان اسلام راه تو را با همان صلابت، استحکام و قوت ادامه خواهند داد.

وی با اشاره به حضور تاریخی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز خاطر نشان کرد: شما عزیزان هرمزگان به مناطق آخر جزیره قشم رفتید و آنجا قبرستان انگلیسی‌ها را دیدید ای شهید عزیز ما، رزمندگان اسلام ان‌شاءالله قبرستان انگلیسی‌ها را به قبرستان آمریکایی‌ها تبدیل خواهند کرد.

نماینده ولی‌فقیه در هرمزگان با خطاب قرار دادن شهید تنگسیری، عهد و پیمان مردم را با این شهید بزرگوار تجدید کرد و گفت: ای شهید عزیز ما، با تو عهد می‌بنیم که راه تو را ادامه خواهیم داد و تا آخرین نفر، مزدوران داخلی و آمریکایی‌های جنایتکار و صهیونیست‌ها را در گورستان آب‌های خلیج فارس خواهیم کرد.

وی در پایان با اشاره به جایگاه راهبردی دریا در تمدن‌سازی نوین اسلامی اظهار داشت: دریا مطهر صلابت ایران است خلیج همیشه فارس مظهری برای تمدن‌سازی است؛ تمدنی که امام شهید ما فرمودند تمدن ما یک تمدن نوین خواهد بود تنگه هرمز به عنوان مظهر اقتدار، نامش با نام شهید تنگسیری و هم‌زمان عزیزش تا تاریخ باقی خواهد ماند و فرزندان شهید تنگسیری این تنگه را به عنوان نماد و دروازه ورود تمدن نوین اسلامی حفظ خواهند کرد.



ما میراث‌دار تو هستیم

شهید و شهدای دیگر جنگ رمضان، بویژه رهبر شهیدمان را در دل داریم، اما هر قطره از خون پاک این شهدای عزیز، عزم ما را در طی مسیر مقدس پیروزی نهایی جبهه حق بر باطل و شکست ذلت‌بار دشمنان این مرز و بوم، مصمم‌تر از گذشته خواهد کرد.»

◆ تنگسیری از تبار دلبران تنگستان

سیدعباس عراقچی، رئیس دستگاه دیپلماسی: «سردار تنگسیری که از تبار دلبران تنگستان بود، با درایتی کم‌نظیر، اقتدار نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در آب‌های نیلگون خلیج فارس به‌گونه‌ای ارتقا داد که در بزرگ‌های خطیر، سدی سترگ در برابر متجاوزان باشد؛ سرانجام پس از مجاهدت‌های مستمر در عرصه‌های دفاعی، در مسیر جهاد فی‌سبیل‌الله به قافله نورانی شهدا پیوست.»

◆ صدها تنگسیری تربیت شده‌اند

علی‌اکبر احمدیان، نماینده رهبر انقلاب در شورای دفاع: «بر حسب اطلاع دقیق می‌گویم، ملت ایران اطمینان داشته باشد که در نیروی دریایی سپاه به برکت چند دهه رویاری با آمریکای جهان‌خوار صدها تنگسیری مؤمن، شجاع، مدبر و مسلط به جنگ نامتقارن وجود دارند که راه او را به خوبی ادامه خواهند داد. تنگسیری به آرزوی خویش رسید و راه نورانی او نیز ادامه خواهد داشت.»

◆ شکننده دشمن

محمد مخبر، مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب: «تلاش‌های شبانه روزی شهید تنگسیری، در طول سال‌های خدمت در مجموعه نیروی دریایی سپاه منجر به تأمین امنیت پایدار در تنگه هرمز، جزایر ایرانی و خلیج نیلگون فارس شد. فرماندهی مؤثر این شهید سعید در دفاع مقدس اخیر نیز در وارد آوردن ضربات مؤثر به پیکره آمریکایی‌ها در منطقه، برگ زرین دیگری بر عمر با برکت ایشان بود. اینکه امروز دشمن آرزوی باز شدن تنگه هرمز را دارد و برای بازگشت به شرایط عادی به عجز افتاده، نتیجه تلاش‌های مجدانه و غیرتمندانه این شهید بزرگوار و دلیرمردان نیروی دریایی سپاه در مدیریت هوشمند تنگه هرمز است.»

◆ شهادت به مثابه پیروزی

محمدعلی امانی، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی: «شهید تنگسیری در طول سال‌های خدمت، با مدیریت هوشمندانه و حضور تأثیرگذار در صحنه‌های حساس منطقه، امنیت آبراه‌های استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز را تضمین کرد و پیام «قدرت بازدارندگی» ایران اسلامی را به استکبار جهانی ابلاغ کرد. ما بر این باوریم که این شهادت نیز همچون شهادت شهیدان پیشین، «پیروزی است و نه شکست.»

تمامیت ارضی ایران اسلامی سپری کرد و در صیانت از مرزهای آبی کشور، به‌ویژه در خلیج فارس و تنگه راهبردی هرمز، نقشی ماندگار و تعیین‌کننده ایفا نمود و سرانجام نیز در همین مسیر پرافتخار به قافله شهیدان پیوست. تنگه هرمز و جزایر ایرانی، خطوط قرمز امنیت ملی ما هستند و دفاع از آنها با قدرتی مضاعف ادامه خواهد یافت. جهنم تنها مقصد نهایی سربازان متجاوز است.»

◆ همچون کوه در میان دریا

سرلشکر خلبان علی عبداللهی، فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص): «این شهید بزرگوار ضمن اینکه الگوی تواضع و فروتنی در برابر مؤمنان و ملت قهرمان ایران بود، همچون کوهی استوار و با صلابت در برابر دشمنان انقلاب اسلامی و مردم عزتمند ایران به خصوص آمریکا و صهیونیست‌ها در دفاع از کیان اسلامی کشور، ایستادگی کرد و با شمشیر برنده و کوبنده دلاورمردان و رزمندگان دشمن‌شکن نیروی دریایی سپاه، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها را خوار و ذلیل و تحقیر کرد و عاقبت به دست جنایتکاران آمریکا و رژیم تروریستی صهیونیستی ترور و به شهادت که بزرگ‌ترین آرزوی عمر شریفش بود نائل شد.»

◆ نماد اخلاص و شجاعت

امیر دریادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش: «شهید دریابان تنگسیری نماد اخلاص، شجاعت، ایستادگی و پاسداری از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی بود بدون تردید، شهادت این فرمانده فداکار و مجاهد نستوه، عزم قطعی ما را برای تنبیه دشمن متجاوز مضاعف خواهد کرد. اینجانب شهادت آن سردار سرفراز اسلام را به محضر حضرت بقیه‌الله الاعظم(عج) فرماندهی معظم کل قوا، فرماندهان و کارکنان نیروهای مسلح تسلیت عرض نموده و اطمینان می‌دهم راه آن شهید عزیز را نه با مرثیه، که با هجوم به قلب دشمن ادامه خواهیم داد.»

◆ الهام‌بخش تداوم رزم دریایی

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: «در شرایطی که دشمنان با شکست‌های پی‌درپی در صحنه نبرد، امنیت حیاتی خود در منطقه را متزلزل می‌بینند، تنگه هرمز و خلیج فارس همچنان در قبضه اقتدار فرزندان ملت رزمنده باقی مانده و راهبردهای این شهید والا مقام در مدیریت صحنه نبرد، الهام‌بخش تداوم رزم دریایی خواهد بود.»

◆ **خون شهید، عزم‌مان را مصمم‌تر می‌کند**
سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی: «بار دیگر دست‌های آغشته به جنایات بشری رژیم‌های تروریستی آمریکا- صهیونیست و این بار در ترور منجر به شهادت فرمانده مقتدر، متفکر و شجاع نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، از آستین تجاوششان بیرون زد. اگر چه داغ این

ارتقا داد تا در چنین روزهایی، همچون سدی عظیم در برابر متجاوزین و زیاده‌خواهان، از کیان ایران اسلامی جانانه دفاع کنند. هم از این‌رو بود که خار چشم دشمنان سفاک شده، حذف او را هدفی بزرگ برای خود می‌دانستند، حال آنکه شهادت برای مردان مرد ایران افتخاری بزرگ است و پرچم شرافت و مقاومت و استقلال، با ریختن‌شدن خون هر یک از دلیر مردان این سرزمین برافراشته‌تر می‌گردد.»

◆ از نسل رئیسعلی دلواری

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در پیامی سردار تنگسیری را از نسل غیور مردانی همچون رئیسعلی دلواری دانسته و نوشته است: «بدون تردید، هم‌زمان شهید تنگسیری در نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، راه آن شهید والا مقام را با قوت و قدرت بیشتر امتداد می‌بخشند و هر تجاوز دشمن را خنثی می‌کنند و در آفتاب نیز، همچون آن مجاهد شهید، در نهایت تدبیر و دلیری عمل می‌کنند. یقین داریم پیروزی از آن جبهه حق است. ما یا شهیدان ابتدای نبرد، یا شهیدان در اثنای نبرد، یا فاتحان خاتمه کار خواهیم بود. وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمْ

الْمَلَأْتُونِ.»

◆ فرماندهای شجاع

محمدباقر قالیباف: «شهید تنگسیری نمونه بارز شجاعت، ولایت‌مداری و استواری است، مردی که هجوم ناوهای پرطمطراق آمریکایی لحظه‌ای تردید در دل او نینداخت و چنان مشت محکمی به ابزار استکبار کوبید که صحنه جنگ را ترک کردند و در دورترین سواحل پهلو گرفتند. اگر دشمن تصور می‌کند حذف شجاعان منجر به حذف شجاعت می‌شود، می‌تواند بخت خود را ببازماید تا پاسخ دندان‌شکن جان‌نشینان این شهید والا مقام را بچشد. بر خود می‌بالم که در دوران دفاع، دوشادوش چنین دلاورانی ایستادم.»

◆ خنثی‌کننده نقشه دشمن

آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: «این مجاهد نستوه که در طول سال‌های دفاع مقدس و جنگ رمضان، با توکل به قادر متعال و تکیه بر ایمان و اعتقاد عمیق به مبانی اسلام، با فرماندهی مدبرانه خویش ضربات سهمگینی بر متجاوزین آمریکایی- صهیونی وارد ساخت. رجای واثق دارم هم‌زمان آن شهید والا مقام در نیروی دریایی سپاه، راه عزت‌آفرین او را با اقتدار بیشتر استمرار خواهند بخشید و هرگونه دست‌اندازی دشمن را خنثی کرده و همچون آن مجاهد شهید، با تدبیر و دلیری عمل خواهند کرد.»

◆ فرمانده خط مقدم دفاع از کشور

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور: «شهید تنگسیری این فرمانده سرفراز، عمر خود را در خط مقدم دفاع از امنیت، اقتدار و

در سسی‌ویکمین روز پایمردی و رشادت مدافعان میهن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای خبر داد: «دریابان پاسدار شهید علیرضا تنگسیری، فرمانده غیور نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کاروان پر فروغ شهدای «جنگ رمضان» پیوست.» در بخشی از این بیانیه آمده است: «دریابان پاسدار شهید علیرضا تنگسیری، که به دنبال ضربات سنگین که منجر به نابودی تأسیسات و زیرساخت‌های مهم دشمن و سقوط جنگنده آمریکایی شد، در حین ساماندهی و تقویت نیروها و تقویت سپر دفاعی جزایر و سواحل، مورد حمله دشمنان متجاوز قرار گرفته بود، بر اثر شدت جراحات به لقاءالله پیوست.» در پی بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا به رسم آشنای این روزها و به پاس قدردانی از فداکاری‌های این شهید گرانقدر میهن، سران قوا و شخصیت‌های کشوری و لشکرکی با صدور بیانیه‌هایی بر تداوم راه تنگسیری‌ها تا پیروزی قاطع بر متجاوزان تأکید کردند.

◆ سند افتخار عظیم

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب: «فرمانده غیور و شجاع نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دریابان علیرضا تنگسیری پس از سال‌ها مجاهدت به مقام شهادت مژین شد. شهادت آن فرزند دلیر تنگستان، سرباز ایران و پاسدار اسلام در حماسه جنگ تحمیلی سوم، برای مردم دلاورخیز بوشهر، جوانان منطقه جنوب، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران که همواره حافظ استقلال و مرزهای آبی ایران خصوصاً خلیج فارس می‌باشند، سند افتخاری عظیم محسوب می‌شود تا مسیر اقتدار و مقاومت دریایی ایران را قوی‌تر و مستحکم‌تر از گذشته طی نمایند، ان‌شاءالله.»

اینجانب شهادت آن فرمانده سلحشور را به خانواده ارجمند، هم‌زمان و فرماندهان نیروی دریایی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریک و تسلیت عرض می‌نمایم، و از درگاه خداوند متعال برای آن شهید، علو درجات را مسئلت می‌کنم.»

◆ خارج چشم دشمنان

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور: «سردار رشید اسلام، سرلشکر علیرضا تنگسیری در پی سال‌ها مجاهدت و مقاومت و خدمت، به زینت شهادت مفتخر گردید و به کاروان شهدا پیوست. او که از سلاله دلبران تنگستان بود با مهارتی مثال‌زدنی، قدرت و هیبت و اقتدار نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در آب‌های نیلگون خلیج فارس با تمام توان

سردار دریایی

برداشت هایی از فرمانده شهید نیروی دریایی سپاه

علی حیدری

سردبیر



از وقتی خبر شهادتش را شنیدم، دلم میخواست برای فرمانده شهید نیروی دریایی سپاه بنویسم. نه برای او، بلکه از او بنویسم. از آنچه که بعنوان یک سرباز میدان رسانه از او دیدم، از آنچه که از این فرمانده بزرگ درک کردم. اما نمی دانستم از کجا شروع کنم؛ از شجاعت و مردانگی اش، از خونگرمی و مهربانی اش، از درایت و مدیریتش، از نبوغ و تیزهوشی اش. نوشتن درباره تنگسیری کار آسانی نیست. من فقط برداشت های خودم را از این فرمانده دلاور به اشتراک می گذارم.

برداشت اول

تیرماه سال ۱۳۸۴ برای پوشش خبری به همراه آقا رحیم صفوی فرمانده وقت کل سپاه به خوزستان رفته بودیم. اوج گرمای جنوب و خرمایان. دو سه روزی در آنجا بودیم و برنامه های مختلفی داشتیم. یک روز به منطقه سوم دریایی در ماهشهر رفتیم. برای اولین بار سردار تنگسیری را در آنجا دیدم؛ وقتی به همراه سردار فدوی و دیگر فرماندهان نیروی دریایی از دستاوردهای نیرو می گفتند. یادم هست اولین بار قایق پرنده را در آنجا دیدم که توسط نیروی دریایی سپاه ساخته شده بود. بعد هم با شناورهای سپاه به بازدید دریایی رفتیم و پس از بازدید روی شناور عکس یادگاری با فرمانده کل سپاه، فرمانده نیروی دریایی و سردار تنگسیری گرفتیم که با شهادت او شهدای این عکس به سه نفر رسید؛ سردار نورعلی شوشتری، سردار سعید سلیمانی و سردار علیرضا تنگسیری...

برداشت دوم

در سال ۱۳۸۶ وقتی فرمانده منطقه یکم دریایی سپاه بود، نیروهایش ۱۵ کماندوی انگلیسی را هنگام گشت زنی در آبهای سرزمینی ایران دستگیر کردند و خبرش مثل توپ



جنوبی اش با بچه ها صحبت کرد و ساعتی را هممان ما بود و از دفاع دریایی در برابر تهدیدات دشمنان انقلاب و ملت ایران گفت.

برداشت چهارم

سال ۱۳۹۹ و در اوج بیماری کرونا و در حالیکه دو سال از فرماندهی اش بر نیروی دریایی سپاه می گذشت، به نشریه صبح صادق و مرکز مطالعات سیاسی معاونت سیاسی آمد. در جلسه ای با معاون سیاسی و مدیران معاونت شرکت کرد. حرف هایش راهبردی و امیدآفرین بود. به نکته ها و نظرات دوستان گوش می داد و درباره آنها با سعه صدر صحبت می کرد. آن روز یک مصاحبه مفصل تصویری هم داشتیم که درباره تحولات نظامی منطقه و آمادگی های نیروی دریایی صحبت کرد.

در دنیا صدا کرد. چون تا آن موقع کسی جرات نداشت به نیروهای انگلیس در خلیج فارس بگوید بالای چشمتان ابروست. آخرش هم با عذرخواهی انگلیسی ها آزاد شدند. روایت این عملیات شجاعانه و برخورد مقتدرانه و تحقیر فرستاده انگلیسی ها توسط سردار تنگسیری شنیدنی است. بعدها چند بار خاطراتی از این ماجرا بر ایمان تعریف کرد...

برداشت سوم

سال ۱۳۹۲ در سالهایی که مدتی سردبیر خبرگزاری دفاع پرس بودم از سردار که حالا دیگر جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه شده بود، دعوت کردم اگر به تهران آمد، ساعاتی را میزبان باشم. خیلی زود این اتفاق افتاد و یکی از روزهای هفته دفاع مقدس همان سال به خبرگزاری آمد. ضمن بازدید از خبرگزاری با همان محبت و خونگرمی

برداشت پنجم

خرداد ۱۴۰۱ به همراه جمعی از مسئولان و مدیران سیاسی سپاه میهمان نیروی دریایی بودیم. برنامه های مختلفی برگزار شد. در روز اول که نشست مدیران بود، سردار تنگسیری که میزبان ما بود حدود دو ساعت مهمان جلسه هم شد و بطور تفصیلی از فعالیت ها، دستاوردها، پیشرفت ها، آمادگی ها گفت. کلیدواژه مشترک همه این صحبت ها ذکر امدادهای الهی در پیشبرد کارها بود.

در حاشیه این دیدار پیشنهاد کردیم که تیم رسانه ای برای تهیه گزارش از فعالیت های نیرو و اعزام کنیم که با روی باز پذیرفت...

حرف آخر

سردار تنگسیری نیروی دریایی را از پایین ترین رده تجربه کرده بود و به فرماندهی نیرو رسیده بود. او از دل دریا و ساحل بود. دریا را می فهمید و آن را زندگی می کرد. او دریا و خلیج فارس را بلد بود. بخاطر همین قوی ترین طراحی ها را برای حفاظت از سواحل و تنگه هرمز انجام داد. سردار تنگسیری مقتدر مهربان و مظلوم بود. فرماندهی که بر قلب های دریادلان سپاه حکومت می کرد و نیروهایش او را از جان دوست داشتند.

سردار تنگسیری می دانست جایی را که فرماندهی می کند، مرکز و محور دنیاست. دنبال دیده شدن، جابجا شدن و موقعیت های دیگر نبود. او که گنجینه تجربیات گرانسنگ در فرماندهی و مدیریت دفاع و رزم دریایی را با خود داشت، تا آخرین روزهای عمر پربرکتش پاسدار مرزهای آبی ایران و خار چشم متجاوزان بود.

حالا که سردار دریایی ایران به یاران شهیدش پیوسته، همزمان دلیر و شجاعش در بینه خلیج فارس خواب را از چشم دشمنان بریده اند، روز و ساعتی نیست که موشک ها و پهپادهای نیروی دریایی بر پایگاهها، پناهاگاهها و مخفیگاههای سربازان، افسران و فرماندهان آمریکایی فرود نیاید. انهایی که با تسلط و اشرف و آمادگی دریادلان سپاه و نیروهای مسلح ایران، رویایی بازگشایی تنگه هرمز با ظلم و زور را به گور خواهند برد. انشالله

فرمانده زنبورهای سرخ دریا

شناورهای تندرو نیروی دریایی سپاه را بهتر بشناسید

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



شهید تنگسیری هم مانند بسیاری دیگر از فرماندهان عزیز جمهوری اسلامی ایران، شهید شد تا جیبی از خاک این کشور کم نشود؛ امروز جنگ رمضان وارد دومین ماه خود شده، جنگی که دونالد ترامپ به هیچ وجه تصور نمی کرد تا امروز به طول بینجامد؛ جنگی که قرار بود در نهایت یک هفته ای به پایان برسد؛ اما نه تنها به پایان نرسید؛ بلکه کلاف آن از دستان ترامپ و ریفش خارج شد و امروز ایران است که تصمیم می گیرد این جنگ چه زمانی به پایان می رسد.

فرمانده دریا، در این یک ماه، به خوبی بر تنگه هرمز قفل زد؛ قفلی که با هیچ کلیدی باز نشده و نخواهد شد؛ تا جایی که ترامپ هم از شدت عصبانیت به هزیان گویی بیفتد. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمان فرماندهی شهید تنگسیری، در زمینه

آفندی بسیار تقویت شد و تقویت راهبردتهاجم به دشمن در دستور کار این نیرو قرار گرفت. یکی از همین راهبردها تقویت زنبورهای دریایی در نیروی دریایی سپاه پاسداران بود. از شناورهای تندرو نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس به زنبورهای سرخ تعبیر می شود که با تنوع یافتن سامانه های تجهیز شده بر روی آنها، حالا در اوج گزندگی برای دشمنان فرماندهی هستند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۴ با فرمان حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی به همراه نیروی هوایی تشکیل و به ساختار سپاه اضافه شد. این نیرو مؤلفه های قدرت بسیاری دارد که یکی از آنها شناورهای تندرو یا قایق های تندرو هستند.

بدل شود؛ کوهی که متجاوزوزی در دامنه آن به مشکل بخورد.

زنبورهای سرخ خلیج فارس نه تنها خود در ذات خویش از قابلیت مهلک بودن برخوردارند؛ بلکه با هوشمندسازی شیوه های رزم آنها و نیز ایجاد قابلیت پشتیبانی بالگردی و پهپادی از آنان در میدان رزم، عملاً به ابزاری چنان قوی و پرخطر بدل شده اند که قادرند هر مأموریتی را در کوتاه ترین زمان ممکن به انجام رسانند و به تعبیر فرمانده کل سپاه، هموردی شرافتمندانه و پیروزمندانه را رقم زنند.

شناورهای تندرو در حین دفاع مقدس بخشی از راهبردهای نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بودند و آن زمان فقط به تیربار مجهز بودند، مگر اینکه در مواقع خاصی به مینی کاتوشا نیز تجهیز می شدند؛ البته نیروهای پیاده سوار بر این شناورها نیز می توانستند تسلیحاتی مانند RPG ۷ هم با خود داشته باشند تا در صورت نیاز علیه دشمنان استفاده کنند.

ایران سریع ترین شناورهای تندرو نظامی دنیا را در اختیار دارد؛ سرعت برخی انواع

قایق های ایرانی به ۹۰ نات معادل ۱۶۶ کیلومتر بر ساعت هم رسیده است؛ برای مقایسه می توان نسل جدید شناورهای تندرو ارتش آمریکا را مثال زد که پیشینه سرعتش ۸۵ کیلومتر بر ساعت است؛ در حالی که اغلب شناورهای تندرو در جهان سرعتی بین ۶۰ تا ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت دارند. سرعت بالای شناورهای تندرو ایران موجب شده است تا در سال های اخیر به «زنبورهای سرخ» معروف شوند؛ کوچک، سریع و زیاد با نیش گزنده و مرگ آور برای دشمن.

سال گذشته بود که رسماً شناور حیدر ۱۱۰ نیروی دریایی سپاه پاسداران با سرعت ۱۱۰ نات، رونمایی و اعلام شد که قابلیت شلیک موشک های کروز را دارد. با توجه به سرعت و تسلیحات پیشرفته، شناور حیدر ۱۱۰ می تواند در عملیات های تهاجمی علیه ناوهای دشمن و همچنین در حملات سریع در سواحل و بنادر استفاده شود.

این شناور می تواند به مثابه پشتیبان برای نیروهای ویژه دریایی عمل کند و در عملیات های نفوذی و شناسایی به کار گرفته

شود. با قابلیت های بالا، این شناور می تواند به منزله بخشی از نیروی دریایی سپاه، حفاظت از آب های سرزمینی ایران را بر عهده گیرد. شناور حیدر ۱۱۰ به عنوان یک قایق تندرو و جنگی، نمادی از توانمندی های نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. سرعت بالا و تسلیحات پیشرفته آن، این شناور را برای انجام مأموریت های گوناگون نظامی و دفاعی مناسب می کند. با توجه به تحولات اخیر در حوزه نظامی، اهمیت چنین شناورهایی در حفظ امنیت ملی و منافع کشور بیشتر نمایان می شود.

۵

پرونده

شماره ۱۲۳۱ | دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۵

صداقت

شهید بودن

«تا کسی شهید نبود شهید نمی‌شود»؛ جمله کوتاه شهید سلیمانی گواه بر این است که رفتار و کردار آدمی در طول زندگی نشانه‌های معلوم برای آینده‌ای نامعلوم است؛ سردار شهید علیرضا تنگسیری از جمله افرادی بود که در طول زندگی شهیدانه زندگی کرد و خطر روشنی از مسیر شهادت را ترسیم کرد؛ با توجه به اهمیت زندگی این شهید سرافراز برخی از روایت‌های زندگی سردار شهید تنگسیری را می‌آوریم.

◆ تولد در دل سختی‌ها

خاطره سردار تنگسیری که در فروردین سال گذشته آن را بیان کرد از یک تصویر لرزان شروع می‌شود؛ تلویزیونی شارژی روی یک وانت در آبادان؛ مردم چشم دوخته‌اند به تصویر امام خمینی (ره) در بازگشت از پاریس به ایران، اما ناگهان تصویر قطع می‌شود، دل‌ها می‌ریزد، دعاها بلند می‌شود بعضی‌ها اشک می‌ریزند؛ ترس از اینکه مبدا اتفاقی افتاده باشد. ساعتی بعد صدا بر می‌گردد؛ امام در مسیر بهشت زهرا سخن می‌گوید و دل‌ها آرام می‌گیرد.

از همان روزها همه چیز با کمترین‌ها آغاز شد؛ دو قایق ساده در دهانه بهمین شیر نه تجهیزات پیشرفته، نه صنعت شناورسازی؛ فقط اراده اما همیمن جرقه کوچک، در عملیات‌هایی مثل عملیات بیت‌المقدس و بعدها خیبر و بدر، به یک نیاز راهبردی تبدیل شد؛ دریا میدان تازه جنگ بود. چهار گام طی شد؛ از یگان دریایی تا تولد رسمی نیروی دریایی سپاه در سال ۱۳۶۴ با فرمان امام (ره)؛ در حالی که دشمن با موشک‌های آگزوسه و حمایت آمریکا فشار می‌آورد، این نیرو با قایق‌های ۴ تا ۶ متری در برابر دشمن ایستاد؛ حتی در عملیات والفجر ۸ مسئولیت قطع شریان دشمن در خور عبدالله را بر عهده گرفت. سال ۱۳۶۶، درگیری مستقیم با آمریکا آغاز شد؛

جایی که با ۱۸ موشک ۱۵ هدف زده شد؛ آماری که خودشان هم آن را «کار خدا» می‌دانستند. بعدها با هدایت قائد شهید مسیر پیشرفت شتاب گرفت؛ از قایق‌های ابتدایی به شناورهای تندرو، موشک‌بر و حتی ناو پهپادبر. این روایت، فقط از جنگ نیست؛ از یک باور است: «ما می‌توانیم»؛ با کمترین‌ها شروع کردند و به جایی رسیدند که امروز، همان قدرت‌ها در خلیج فارس از توان ایران در کنترل تنگه هرمز وحشت دارند.

◆ تعهد گرفتن از دشمن!

قصه مشهور تحقیر انگلیسی‌ها به دهه هشتاد بر می‌گردد؛ روزی که چند ملوان انگلیسی در آب‌های اروند از خط عبور کردند و ناگهان ورق تاریخ طور دیگری برگشت. همان‌هایی که روزگاری خود را امپراتور دریاها می‌دانستند، این بار در برابر بچه‌های جنوب اسیر شده بودند. در آن روزها، سردار علیرضا تنگسیری، فرمانده منطقه سوم دریایی بود؛ منطقه‌ای که در دریا، حکم یک لشکر را دارد. ماجرا به جایی رسید که سفیر انگلستان را فرستادند ماهشهر تا نیروهایش را تحویل بگیرد؛ اما او با همان غرور قدیمی وارد شد؛ انکار آمده فقط چیزی را بردارد و برود. وارد شد، ایستاد و گفت آمده‌ام تحویل بگیرم. اما تنگسیری، آرام و محکم گفت: «بگوئید بنشینند.» سفیر نپذیرفت. یک تشر کافی بود. رنگش پرید، نشست. اینجا دیگر خبری از آن هیبت قدیمی

نبود. شرط ساده، اما سنگین بود «تعهد بدهید دیگر وارد آب‌های ما نمی‌شوید.» سفیر مقاومت کرد، تماس گرفت و فشار آورد؛ اما پاسخ همان بود. نه تنها باید تعهد می‌داد، بلکه باید آن را به فارسی می‌نوشت و امضا می‌کرد و او نوشت. آن روز، فقط چند ملوان تحویل داده نشدند؛ تصویری قدیمی فروریخت. جایی در ماهشهر غرور امپراتورها برای همیشه فروریخت.

◆ مربی عرفان

شهید دریادار پاسدار علیرضا تنگسیری، با دستخط خود ۱۰ توصیه ناب و کاربردی از امام غریب حضرت رضاع(ع) را برای یکی از نیروهای تحت امرش نوشت. این سند دست‌نویس که حالا به یادگار مانده، نشان‌دهنده عمق نگاه معنوی و تربیتی این فرمانده بزرگ دریایی است؛ فرماندهی که هم در عرصه نبرد سخت و هم در عرصه تهذیب نفس، پیشتاز بود.

۱- در خوشحال کردن مردم بکوشید تا در قیامت خدا خوشحال‌تان کند.
۲- تا می‌توانید سکوت اختیار کنید که سکوت موجب محبت می‌شود.
۳- در خواندن سوره حمد استمرار بورزید که جمیع خیر در امور دنیا و آخرت در گرو آن است.
۴- به روزی اندک خدا راضی باشید تا خدا نیز از عمل کم شما راضی باشد.
۵- در برقراری صلح رحم ثابت قدم باشید که

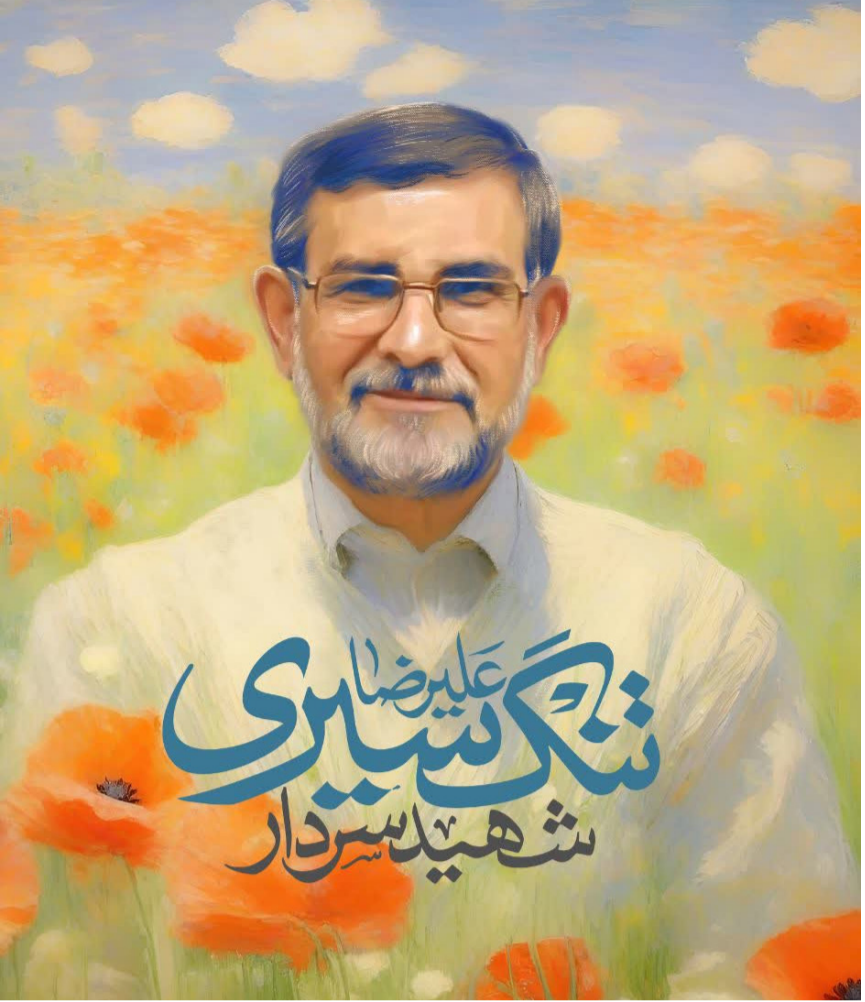
بهترین نوع آن خودداری از آزار خویشاوندان است.

۶- به کسی که از خدا نمی‌ترسد، امید نداشته باشید که نه تعهد دارد و نه نجات و کرم.
۷- بسیار احسان کنید که خداوند در قیامت یک نصفه خرما را مانند کوه بزرگ می‌کند؛
۸- حق الناس را رعایت کنید که دوستی محمد و آل محمد (ص) بدون آن پذیرفته نیست.

۹- از کاری که زبانش برای تو بیش از سودش برای دیگران است، حذر کن.
۱۰- بسیار مراقب کردار خود باشید تا مورد تهمت و اتهام قرار نگیرید که در آن صورت حق ملامت نخواهید داشت.

◆ ناو حواس‌پرت!

شهید دریادار پاسدار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه در یکی از خاطرات ناب خود از رزمایش‌های پیروزی روایت کرده است. در رزمایش‌های پیروزی یک نیرو «آبی» می‌شود (نیروهای خودی و یک نیرو «نارنجی» دشمن



نگین علیضایی شهید سردار

فرضی). بین دو طرف یک قرارگاه داور وجود داشت. به نیروهای آبی دستور داده بودند که وقتی به ناو دشمن رسیدید، سه کار انجام دهید: اول شماره بدنه ناو را بخوانید و به قرارگاه اعلام کنید؛ دوم با اسپری علامت بزیند روی بدنه ناو؛ سوم برای اینکه ناو را از بازی خارج کنید، یک منور شلیک کنید؛ شهید تنگسیری ادامه می‌دهد: «نیروهای ارتش و سپاه به ناو رسیدند، با اسپری روی آن علامت زدند و منور هم شلیک کردند که یکبار می‌بینند این ناو ناو آمریکایی‌هاست از واکنش آمریکایی‌ها متوجه می‌شوند که تا لحظه شلیک منور اصلاً متوجه حضور نیروهای ایرانی نشده بودند.»

او با لبخند خاطره‌اش را اینگونه به پایان برد: «بینید، ما با شناور رفیقم زیر پای یک ناو آمریکایی، شماره بدنه‌اش را خواندیم، با اسپری رنگ زدیم و بعد منور هم زدیم؛ تازه آنها متوجه شدند یا همه آن سامانه‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای که دارند؛ اینها ضعف ناوهای بزرگ است.»

سردار فدوی عنوان کرد

دست پر نیروی دریایی سپاه ثمره مجاهدت شهید تنگسیری

یکم بود، بلافاصله به عنوان جانشین نیرو منصوب کردم. بعد از آنکه خودم به تهران آمدم، ایشان به فرماندهی نیروی دریایی سپاه رسید و دست نیروی دریایی سپاه را پر کرد.» وی با اشاره به پیشینه نیروی دریایی سپاه گفت: «نیروی دریایی سپاه برای مقابله با آمریکا متولد شد. در سال ۱۳۶۴ حضرت امام خمینی (ره) حکم تشکیل سه نیروی سپاه را صادر کردند، اما پیش از آن، قرارگاه نوح به عنوان یکی از قرارگاه‌های جنگ زمینی فعالیت می‌کرد و شهید تنگسیری تا زمستان سال ۱۳۶۵ در عملیات‌های زمینی، مانند والفجر ۸، کربلای ۳، کربلای ۴ و کربلای ۵ حضور داشت.» وی افزود: «پس از شکست‌های عراق در جبهه زمینی، عراقی‌ها و جبهه باطل تصمیم گرفتند در دریا فشار بیاورند. آن زمان همه کشتی‌های ما را می‌زدند. قرارگاه نوح همچنان درگیر جنگ زمینی بود. روز شهادت شهید خرازی (۸ اسفند ۱۳۶۵) به سپاه گفتند بررسی کنید آیا می‌توانید در دریا اقدام کنید. در دریا فقط آمریکایی‌ها بودند که از ۱۸۵۳ در خلیج فارس حضور داشتند، اما در سال ۱۳۶۵ به صورت مضاعف آمدند تا در جنگ دخیل شوند. همه اقدامات ما را می‌گرفتند. عراق کشتی‌های ما را می‌زد و آمریکایی‌ها مانع ما می‌شدند.»

سردار فدوی خاطر نشان کرد: «با شوق و ذوق رفتم. در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۶۶ اولین عملیات را در عمق خلیج فارس علیه دشمنان انجام دادیم. کل مجموعه درگیر شدند، از جمله در منطقه شمالی خلیج فارس (منطقه سوم) که

اجداد ایشان اصالتاً بوشهری هستند. در جریان ماجراهای رئیس‌علی دلواری، یاران رئیس‌علی نتوانستند در منطقه بمانند و به منطقه اروند آمدند و در منطقه کلار ساکن شدند. شهید تنگسیری در همان جا به دنیا آمد و بزرگ شد و زبان عربی را کامل می‌دانست. ایشان هم اهل بوشهر و تنگسیر بود و هم اهل مناطق عرب‌نشین آبادان. تنگسیر از مناطق بسیار ویژه بوشهر است که مردان مبارزی دارد.»

رئیس گروه مشاورین فرمانده کل سپاه تصریح کرد: «من از آن زمان شهید تنگسیری را می‌شناختم. بعدها قرارگاه نوح تشکیل شد و ایشان جزء قرارگاه نوح و لشکر تیپ کوثر بود. پس از آنکه قرارگاه نوح به نیروی دریایی سپاه تبدیل شد، شهید تنگسیری تا لحظه شهادت در این نیرو ماند و تمام مراتبی را که یک مدیر باید طی کند، به ترتیب پشت سر گذاشت. ایشان از ابتدایی‌ترین کارها شروع کرد: ابتدا در نیروی اطلاعات بود، سپس در پایگاه قاسمیه خدمت کرد، بعد به ترتیب در منطقه سوم و بعد منطقه یکم عملیات مسئولیت داشت.»

سردار فدوی ادامه داد: «زمانی که من فرمانده نیروی دریایی شدم، شهید تنگسیری را که فرمانده منطقه

رئیس گروه مشاورین فرمانده کل سپاه پاسداران گفت: «آسیب‌پذیرترین نقطه آمریکایی‌ها شناورانش است و در حال حاضر نه در خلیج فارس و نه در هزار کیلومتری ما ناوی از آمریکا وجود ندارد. آمریکا سیگنال فیک تولید می‌کند و ناوهایش بسیار دورتر از محلی است که آنها مدعی هستند و این به معنای آمادگی کامل نیروهای ماست.»

«سردار علی فدوی» رئیس گروه مشاورین فرمانده کل سپاه، طی گفت‌وگویی با اشاره به مقام والای شهید علی تنگسیری اظهار داشت: «اولین بار شهید تنگسیری را در سال ۱۳۶۲ در نهر قاسمیه اروند دیدم. همه ما خیلی جوان بودیم و من از ایشان جوان‌تر بودم. از همان لحظه اول جنگ، ایشان وارد جنگ شد. خانه شهید تنگسیری کنار اروند بود.»



شهید تنگسیری در آنجا بود.» وی تأکید کرد: «در یک سال و نیم آخر جنگ (که دیگر عراق در دریا نبود و آمریکایی‌ها بودند)، بیش از ۱۴۹ عملیات مقابله، ۵ عملیات ویژه، ۱۸ عملیات موشکی و عملیات‌های مختلف انجام شد. آمریکایی‌ها با داشتن ۸۶ ناو جنگی در خلیج فارس نتوانستند حتی یک عملیات ما را متوقف کنند و مستاصل شدند. در بهار سال ۱۳۶۶، یک مقام پنتاگون گفت: «ناوهای اعزامی ما به خلیج فارس نه تنها قادر به انجام مأموریت‌های اصلی خود نیستند، بلکه حتی نمی‌توانند از خود در برابر قایق‌های تندرو دفاع کنند.»

این جمله را می‌توانید جست‌وجو کنید.»

سردار فدوی گفت: «تکلیف بسیار خاص سپاه این است که هر روز باید قوه و توان‌مان را اضافه کنیم و تعطیل بردار هم نبوده و ۲۴ ساعت را از دست نداده که این تکلیف را انجام ندهد. ما هنوز از حداقل قوه خود استفاده کردیم و آمریکایی‌ها هم می‌دانستند و هزار کیلومتر عقب‌نشینی کردند.»

وی بیان کرد: «آسیب‌پذیرترین نقطه آمریکایی‌ها شناورانش است و در حال حاضر نه در خلیج فارس و نه در هزار کیلومتری ما ناوی از آمریکا وجود ندارد. آمریکا سیگنال فیک تولید می‌کند و ناوهایش بسیار دورتر از محلی است که آنها مدعی هستند و این به معنای آمادگی کامل نیروهای ماست.»

معماری انسجام ملی

صبح صادق دکترین فرهنگی رهبری سوم را بر اساس پیام نوروزی آیت‌الله خامنه‌ای واکاوی می‌کند



نوید کمالی

پژوهشگر امنیت ملی

اهمیت این بازخوانی از آن روست که در دهه‌های اخیر، یکی از مسائل کلیدی کشورمان، فرسایش نسبی برخی پیوندهای اجتماعی، شکاف‌های ادراکی میان نسل‌ها، گسترش اثرگذاری جنگ‌روایت‌ها، و پیچیده‌تر شدن نسبت میان هویت انقلابی، مطالبات معیشتی و سبک‌های متنوع زندگی بوده است. از منظر نگارنده این روزها پرسش اصلی نخبگان و حتی عامه مردم آن است که رهبر جدید چگونه این میدان پیچیده را صورت‌بندی «جامعه» و «امنیت ملی» برقرار می‌کند؟ فرضیه این یادداشت آن است که از خلال این دو پیام رهبری جدید، می‌توان سه محور اصلی را تشخیص داد: نخست، بازتعریف مردم به‌منزله رکن فعال حکمرانی؛ دوم، ارتقای انسجام ملی از یک شعار سیاسی به یک راهبرد تمدنی؛ و سوم، پیوند دادن فرهنگ و اجتماع با معیشت، امنیت و کارآمدی در قالبی تازه و زمان‌شناسانه. به بیان دیگر، آنچه در حال ظهور است، نه صرفاً ادامه یک میراث، بلکه کوششی برای روزآمدسازی آن متناسب با شرایط جامعه‌ای جوان‌تر، متکثرتر و مطالبه‌مندتر است.

مردم؛

از پشتوانه نظام تا شریک حکمرانی

برجسته‌ترین مؤلفه در نخستین پیام رهبری، نوع نگاه به مردم است. در این پیام، مردم صرفاً حامی نظام یا بدنه اجتماعی وفادار توصیف نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان نیرویی که «کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت» کرده، در متن معادله حکمرانی قرار می‌گیرند. این تعبیر، از حیث نظری مهم است؛ زیرا نشان می‌دهد رهبری سوم، جمهوریت‌رانه در معنای حداقلی تشریفاتی، بلکه در معنای فعلیت‌یافتگی توان اجتماعی درک و تبیین می‌کند. در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، چنین رویکردی با مفهوم «حکمرانی مشارکتی» و «ظرفیت اجتماعی دولت» قابل توضیح است؛ یعنی دولت و ساختار رسمی، بدون جامعه توانمند، از کارایی پایدار برخوردار نخواهند بود.

این نکته در پیام نوروزی با لحن اجرایی‌تر تکمیل می‌شود؛ آنجا که بر حضور رئیس‌جمهور و مسئولان در میان مردم و تقویت «انسجام بین ملت و حکمرانان» تأکید می‌شود. این عبارت، واجد یک پیام روشن برای نظام اداری و مدیریتی کشورمان است و آن اینکه مشروعیت و کارآمدی در دوره جدید، بیش از گذشته وابسته به کاهش فاصله نمادین و واقعی میان سطوح رسمی و جامعه خواهد بود. تجربه‌های جهانی نیز همین را تأیید می‌کند؛ در جوامعی که از بحران‌های امنیتی عبور کرده‌اند، بازسازی اعتماد عمومی زمانی موفق بوده که ساختار حکمرانی، شنیدن جامعه را به بخشی از سازوکار تصمیم‌گیری بدل کرده است، نه امری تبلیغاتی و موسمی.

در این چارچوب، اشاره رهبر جدید انقلاب به شنیدن بی‌واسطه سخنان مردم و حتی استفاده از مشاهده میدانی برای درک مسائل، صرفاً یک خاطره شخصی نیست؛ بلکه نشانه نوعی حساسیت روش‌شناختی در فهم جامعه است. این ویژگی می‌تواند در آینده به تقویت الگوهای داده‌بنیادتر در سیاست‌گذاری منجر شود؛ به‌ویژه اگر دستگاه‌های اجرایی، نظرسنجی، پیمایش اجتماعی، تحلیل افکار عمومی و

رصد تحولات فرهنگی را از حاشیه به متن حکمرانی بیاورند. جامعه حدود ۱۰۰ میلیون امروز کشورمان با الگوهای ذهنی دهه‌های گذشته به‌طور کامل قابل اداره نیست؛ نیازمند فهمی تازه، جزئی‌نگر و در عین حال کلان‌نگر از تحولات نسلی و سبک زندگی خاصه نسل جوان کشور است.

انسجام ملی،

سرمایه‌ای راهبردی

مفهوم محوری دوم در هر دو پیام، «وحدت» و «انسجام ملی» است؛ اما اهمیت این مفهوم در آن است که از سطح توصیه اخلاقی فراتر رفته و به‌مثابه پیشران امنیت ملی و حتی اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود. در نخستین پیام، بر «صرف‌نظر کردن از نقاط مورد اختلاف» برای حفظ وحدت تأکید شده و در پیام نوروزی، عملیات رسانه‌ای دشمن مستقیماً معطوف به خدشه در وحدت ملی و به تبع آن، امنیت ملی دانسته می‌شود. از این منظر، انسجام ملی یک امر تزئینی نیست؛ یک دارایی راهبردی است که دشمن آن را هدف گرفته و کشورمان باید آن را آگاهانه تولید و بازتولید کند.

این نگاه، بایکی از مهم‌ترین یافته‌های مطالعات امنیت ملی در جهان معاصر همخوانی دارد: قدرت کشورها فقط با شاخص‌های سخت، مانند توان نظامی سنجیده نمی‌شود، بلکه «تساب‌آوری اجتماعی» و «اعتماد عمومی» جزء مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی هستند. در جنگ‌های ترکیبی، جامعه متفرق حتی با برخورداری از ابزارهای سخت آسیب‌پذیر می‌شود؛ در مقابل، جامعه منسجم می‌تواند هزینه‌های فشار خارجی را جذب و خنثی کند. از این رو، تأکید رهبر جدید بر اینکه خطوط مقدم دفاع به وسعت محلات، مساجد و میدان‌های کشور گسترش یافته، تفسیر اجتماعی از امنیت ملی ارائه می‌کند؛ تفسیری که در آن هر شهروند، هر نهاد مردمی و هر شبکه اجتماعی سالم، بخشی از معماری دفاع ملی به‌شمار می‌آید.

نکته مهم‌تر آن است که این انسجام مد نظر رهبری، بر پایه حذف تفاوت‌ها تعریف نشده، بلکه بر پایه مدیریت تفاوت‌ها و جلوگیری از تبدیل آنها به شکاف‌های تخصصی صورت‌بندی شده است. اشاره به تفاوت‌های «مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی» و در عین حال تأکید بر وحدت، حامل یک فهم واقع‌بینانه از جامعه کشورمان است. جامعه امروز متنوع است و هر پروژه فرهنگی موفق باید این تنوع را به رسمیت بشناسد. بنابراین، دکترین فرهنگی و اجتماعی رهبری سوم، در این مرحله ابتدایی، به جای یک‌دست‌سازی، بر هم‌افزایی میان لایه‌های گوناگون هویتی در ذیل منافع ملی و تهدید مشترک تکیه دارد. این رویکرد اگر به سیاست‌های رسانه‌ای، آموزشی و اجتماعی ترجمه شود، می‌تواند بستر کاهش دوگانه‌های فرساینده را فراهم کند.

فرهنگ؛

میدان هویت، امید و نظم اجتماعی

در دو پیام راهبردی رهبری، فرهنگ نه در معنای محدود هنری، بلکه به‌عنوان «نظام معنایی جامعه» فهم می‌شود. پیوند هم‌زمان عید فطر و نوروز، توصیه به حفظ دیدوبازدیدها

همراه با تکریم شهدا، دعوت به همیاری اجتماعی، همگی نشان می‌دهد رهبر معظم انقلاب به بازتولید فرهنگ عمومی به‌عنوان عنصر ثبات‌بخش توجه دارد. در اینجا، فرهنگ نقش میانجی دارد، یعنی هم سوگ را مدیریت می‌کند، هم امید را زنده نگه می‌دارد، هم اجازه نمی‌دهد جامعه در وضعیت جنگی به انقباض روانی و فرسایش روحی دچار شود.

این رویکرد از حیث جامعه‌شناختی اهمیت فراوانی دارد. جوامعی که از بحران‌های شدید عبور می‌کنند، اگر نتوانند میان «حافظه درد» و «اراده زندگی» تعادل برقرار کنند، یا به افسردگی جمعی می‌رسند یا به فراموشی سطحی و بی‌ریشه دچار می‌شوند. تأکید بر آنکه در عین سوگواری، زندگی اجتماعی، ازدواج، دیدوبازدید و پیوندهای محلی باید تداوم یابد، نوعی راهبرد برای حفظ پویایی جامعه است. این همان چیزی است که در نظریه‌های تاب‌آوری اجتماعی، «تداوم کارکردهای حیاتی جامعه در شرایط فشار» نامیده می‌شود.

همچنین، هشدار صریح درباره عملیات رسانه‌ای دشمن و توصیه به رسانه‌های داخلی برای پرهیز از برجسته‌سازی نقاط ضعف، باید در چارچوب جنگ شناختی فهم شود. البته این توصیه زمانی به بیشترین اثربخشی می‌رسد که با تقویت رسانه حرفه‌ای، اقیانوس و صادق همراه باشد؛ زیرا در عصر شبکه‌های اجتماعی، صرف سکوت درباره ضعف‌ها، جایگزین حکمرانی روایتی کارآمد نمی‌شود. آنچه می‌تواند انسجام را حفظ کند، ترکیبی از مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای، امیدآفرینی واقع‌بینانه، تبیین پیشرفت‌ها و ارائه تصویر معتبر از برنامه حل مسائل است. از این حیث، دکترین فرهنگی جدید اگر بخواهد پایدار و مؤثر باشد، باید به سمت «روایت‌سازی مسئولانه» حرکت کند؛ روایتی که نه سیاه‌نمایی است و نه ساده‌سازی، بلکه ناظر به تقویت اعتماد ملی است.

پیوند فرهنگ و معیشت؛

نشانه‌ای از زمان‌شناسی

شاید مهم‌ترین وجه تمایز پیام نوروزی، پیوند روشن میان وحدت ملی، امنیت ملی و اقتصاد مقاومتی باشد. این پیوند از آن رو مهم است که نشان می‌دهد رهبر جدید، مسئله فرهنگی و اجتماعی را منفک از اقتصاد و مدیریت نمی‌بیند. در واقع، یکی از آسیب‌های سیاست‌گذاری در بسیاری از کشورها، دویارسازی مصنوعی میان حوزه سخت اقتصاد و حوزه نرم فرهنگ است؛ حال آنکه در زندگی واقعی مردم، این دواز هم جدا نیستند. سرمایه اجتماعی بدون بهبود معیشت فرسوده می‌شود و برنامه اقتصادی بدون پشتوانه فرهنگی و اعتماد عمومی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

در متن پیام نوروزی، «ضعف‌های اقتصادی و مدیریتی» به‌صراحت به منزله روزه‌روزه امید دشمن شناسایی می‌شود. این صراحت، واجد معنای مهمی است: دوره جدید، دست‌کم در سطح گفتمانی، از انکار مسائل ملموس مردم فاصله می‌گیرد و آنها را جزئی از معادله امنیت ملی می‌داند. این فهم با واقعیت‌های کشورمان نیز سازگار است. بخش مهمی از مطالبات نسل‌های جدید، در کنار هویت و آزادی عمل اجتماعی، به کیفیت زندگی، شغل، مسکن، رفاه، عدالت رویه‌ای و کرامت در مواجهه

با ساختار اداری مربوط است. هر دکترین اجتماعی موفق ناگزیر است این مسائل را در قلب برنامه خود قرار دهد.

از همینجاست می‌توان دریافت که چرا شعار «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» صرفاً یک نام‌گذاری سالانه نیست، بلکه تلاشی برای صورت‌بندی یک زنجیره علی است، یعنی وحدت ملی، امنیت ملی را تقویت می‌کند؛ امنیت ملی، افق تصمیم‌گیری اقتصادی را باثبات می‌سازد؛ و بهبود اقتصاد، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند. اگر این زنجیره به‌درستی مدیریت شود، کشورمان می‌تواند از وضعیت «واکنش به بحران» به سمت «تثبیت توسعه‌گر» حرکت کند.

در مجموع، از خلال نخستین پیام و پیام نوروزی رهبر سوم انقلاب، می‌توان خطوط اولیه یک دکترین فرهنگی و اجتماعی را مشاهده کرد که چهار ویژگی دارد: مردم‌پایه است، انسجام‌محور است، نسبت فرهنگ و امنیت را بازتعریف می‌کند، و از مسیر اقتصاد و کارآمدی به بازسازی اجتماعی می‌نگرد. این دکترین نه بر گسست از گذشته استوار است و نه بر تکرار صرف آن؛ بلکه بر امتداد خلاق یک میراث در شرایطی جدید تکیه دارد. دوره پیشین، بی‌تردید واجد نقاط درخشان بزرگی و صیانت از استقلال کشورمان بود؛ اما جامعه امروز، با ابعاد جمعیتی، پیچیدگی‌های ارتباطی و مطالبات نسلی تازه، نیازمند لایه‌ای نواز حکمرانی اجتماعی نیز هست.

پیام اصلی این دوره، دست‌کم بر اساس متون موجود از رهبری جدید انقلاب، آن است که انسجام ملی دیگر صرفاً محصول تهدید خارجی نیست، بلکه باید به‌صورت فعال، هوشمندانه و روزمره تولید شود. این تولید نیز بدون شنیدن جامعه، اصلاح سازوکارهای مدیریتی، تقویت رسانه مسئول، افزایش کارآمدی اقتصادی، و به رسمیت شناختن تنوع اجتماعی ممکن نخواهد بود. اگر دستگاه‌های کشور این اشارات را به سیاست‌های اجرایی ترجمه کنند، می‌توان انتظار داشت که سرمایه اجتماعی آسیب‌دیده سال‌های گذشته ترمیم شود و نسل‌های جوان‌تر با احساس سهم‌داشتن در آینده کشور، بیش از پیش در مسیر آبادانی و پیشرفت قرار گیرند.

در این میان، برجسته‌ترین نتیجه آن است که حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، اگرچه فرزند رهبر شهید کشورمان هستند، اما از خلال سال‌ها حضور در بطن مسائل حکمرانی و نیز به دلیل درک زمانه و حساسیت نسبت به تحولات اجتماعی، تصویری از یک رهبری آشنا با نظام مسائل کشور ارائه کرده‌اند. این آشنایی، همراه با نوسازی سازوکارهای اجرایی و میدان دادن به ظرفیت‌های فکری و مردمی جدید، می‌تواند افق‌های تازه‌ای پیش روی کشورمان بگشاید. بدون شک آینده کشور و انقلاب، بیش از آنکه به تکرار الگوهای پیشین وابسته باشد، به توان ما در تبدیل «وحدت برآمده از خطر» به «همبستگی پایدار برای پیشرفت» بستگی دارد؛ و این، شاید مهم‌ترین مأموریت فرهنگی و اجتماعی رهبری سوم باشد.

نیم نگاه

نسل جوان و ایران قوی

سید علی حسینی

پژوهشگر امنیت ملی

اهمیت نیروی انسانی جوان، آموزش‌دیده، امیدوار و برخوردار از حس تعلق ملی در فرای پس از جنگ، برای کشورمان دوچندان است؛ زیرا جامعه امروز ما از یک‌سو دارای حجم قابل توجهی از جمعیت جوان، تحصیل کرده و آشنا با فناوری‌های نوین است و از سوی دیگر در سال‌های گذشته با مسائلی چون بی‌اعتمادی نسبی، شکاف نسلی، فشارهای اقتصادی و گرایش بخشی از نخبگان به مهاجرت مواجه بوده است. اکنون اما شرایط جدید، امکان یک بازتعریف راهبردی را فراهم کرده است. بازسازی پساجنگ، اگر با مشارکت واقعی نسل جوان طراحی شود، می‌تواند هم به توسعه شتاب دهد و هم افزایش سرمایه اجتماعی باشد.

در این میان، رویکرد نوین فرهنگی و اجتماعی رهبری جدید انقلاب، اهمیت تعیین‌کننده دارد. آنچه در نخستین پیام‌ها و نیز در رفتار اجتماعی هفته‌های اخیر مشاهده شد، تأکید بر مردم‌پایه بودن حکمرانی، ضرورت حفظ وحدت ملی، نقش‌آفرینی آحاد جامعه و برجسته شدن حضور میدانی اقتشار گوناگون مردم، چه با حجاب و چه بی‌حجاب در دفاع از کشور بود. حضور گسترده مردم در خیابان‌ها، میدان‌ها، مساجد و محلات در حمایت از کشورمان، فقط یک واکنش احساسی به شرایط جنگی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از زنده بودن ظرفیت ملی برای مشارکت در بزرگ‌نگاه‌های تاریخی بود.

نسل جوان در این فرایند، سه نقش هم‌زمان بر عهده دارد. نخست، نقش فناورانه و تخصصی؛ زیرا بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در حوزه‌هایی چون انرژی، حمل‌ونقل، مسکن، سلامت، ارتباطات و خدمات شهری، بدون اتکا به مهندسان، تکنسین‌ها، پژوهشگران، کارآفرینان و نیروهای خلاق جوان ممکن نیست. دوم، نقش اجتماعی؛ به این معنا که جوانان می‌توانند شبکه‌های داوطلبانه، گروه‌های جهادی، هسته‌های نوآوری محلی و سازوکارهای همیاری اجتماعی را فعال کنند و فاصله میان دولت و جامعه را کاهش دهند. سوم، نقش تمدنی و هویتی؛ یعنی تبدیل بازسازی به پروژه‌ای برای احیای امید، خودباوری و احساس اثرگذاری در مقیاس ملی.

سیاست‌گذاران و کارگزاران کشور باید بسترهای عینی مشارکت جوانان را فراهم کنند؛ از واگذاری مسئولیت‌های اجرایی و میدانی تا حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تسهیل اشتغال، کاهش موانع کارآفرینی، و به رسمیت شناختن ابتکارات اجتماعی و محلی. باید شاهد نهضتی ملی باشیم که به جوانان این فرصت را دهد که سازندگان اصلی فرای کشور باشند.

امروز، با توجه به رویکرد فرهنگی و اجتماعی رهبری جدید و با توجه به نشانه‌های روشن همبستگی مردمی، آینده بیش از همیشه روشن و درخشان است.

صداقت

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

سایمک‌باقری،سعدالله‌زراعی، عزیزغضنفری، مه‌دی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان، علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌زاد نگارش و ویرایش:محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس:حامد کوردزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن:۰۱۰و۱۰۰۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر:۷۷۴۸۴۲۶
سامانه پیامک:۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۳۳۱ | دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۵

کتابه

باید این بُت را شکستن

ملّتی نستوه اکنون، امتحانی می دهد از برای دین و میهن، جسم و جانی می دهد مدرسه و آکرده در(میناب)باایمان وعشق درس مشقِ عشق را، با همزبانی می دهد تاقبول افتد، دراین هنگامه‌ی جهدو جهاد در روز هرای اطهر(س)، دخترانی می دهد تا بجنبد بلکه، احساس جهانی شرمگین رهبری آگاه، درس جاودانی می دهد
باید این بُت را شکستن، با توکل بر خدا حضرتِ محبوب، درس پهلوانی می دهد شک نکن، در عرصه ی پیکار، در او خدا از شهادت نیز گاهی، ارمانی می دهد گوش بر فرمان رهبر هست، این ملّت هنوز دین و دل، در راه مولا، رایگانی می دهد ای «فرانی» سعی کن، در امتحان باشی قبول مژده ی وصلِ تو هاتف، ناگهانی می دهد
عبدالمجیدفراتی

می‌آییم…

همه به یاری پروردگار می آییم
شبانروز سر این قرار می آییم
بگو که سنگ بیارد، بگو که موشک و بمب
بگو که هر چه شود، پای کار می آییم
پیاده یا که سواره، به پشت‌گرمی هم
چنان ستاره دنباله‌دار می آییم
هر آنچه هم بشمارند، سعی بیهوده‌ست
که گفته است که ما در شمار می آییم؟
گرفته‌ایم به کف، پرچم شرف، زن و مرد
تهمت‌تانه به این کارزار می آییم
بلوچ، فارس، عرب، ترک، ترکمن، لر و کرد
همه، همه، همه با هر تبار می آییم
اگر نظامی، اگر کارمند و بازاری
اگر معلم، اگر خانه‌دار، می آییم
جوان و پیر ندارد، برای آنکه همه
شویم بر سر دشمن هوار می آییم
بگو یهود بدانند برای آنکه مدام
درآوریم از آنها دمار می آییم
غبار فتنه اگر شهر را بگیرد هم
برای یاری حق، در غبار می آییم
به حکم آیه «ان تنصروا» در این پیکار
همه به یاری پروردگار می آییم
فقط مپرس پس از رفتن امام شهید
چگونه با غم دوری کنار می آییم!

رضا ابودری

۲۱ چراغ خاموش

در این روزهای پرتناق تا می‌آییم خبری را بخوانیم، خبر بعدی می‌آید و سایه می‌اندازد رویش… اما چند روزی است که یک خبر، تمام کانال‌های تبریز را قرق کرده: «پنجشنبه، ۶ فروردین ۱۴۰۵؛ پرتعدادترین تشییع شهدای تبریز بعد از هشت سال دفاع مقدس.»

۹ اسفند ۱۴۰۴، همان روزی که ستون روشنائی ایران فروریخت، خیلی‌ها فکر کردند کار تمام است. دشمن و آنهایی که دل‌شان برای نبودن ایران می‌تپید، مطمئن بودند که مردم از هم می‌پاشند، صدایشان می‌خوابد و کشور زیر حجم این مصیبت زانو می‌زند؛ اما یادشان رفته بود که ما، فرزندان همان مردی هستیم که حتی در لحظه شهادت هم مشت‌گره کرده‌اش باز نشد. گریه کردیم، بی‌تاب شدیم و سوختیم، اما خاموش نشدیم. آمریکا و رژیم صهیونیستی حساب اینجای ماجرا را نکرده بودند؛ اینکه درد ما را متفرق نمی‌کند، فقط خون‌مان را تندتر به جوش می‌آورد.

شب قبل از تشییع ۶ فروردین، داشتم سبک‌سنگین می‌کردم حدیث را کجا بگذارم؟ پیش پدرش در خانه بماند یا از مادرم کمک بگیرم؟ مثل روزهایی که برای تجمع یا راهپیمایی می‌رفتم. دختر هشت ساله‌ام تازه دفتر ترس‌های جنگ دوازده‌روزه را مجال‌ه کرده بود و انداخته بود توی سطل خاطرات که جنگ رمضان از راه رسید. تنها دلگرمی‌اش در این مدت شده کاروان‌های خودرویی شبانه. می‌گوید: «وقتی همه باهمیم و حیدر حیدر می‌گیم، وقتی پرچم دستم می‌گیرم، خیلی احساس شجاعت می‌کنم.» همین جمله، شده ترفند هر شبش تا خانواده‌سه‌نفره‌مان را بکشاند کف خیابان. راست هم می‌گوید: آن شب‌هایی که نمی‌رویم، مدام از خواب می‌پرذ.

داشتم موضوع را با همسرم درمیان می‌گذاشتم که حرفم را برید: «سه‌تایی می‌ریم. همه اون بچه‌ها می‌تونستن حدیث ما باشن.» راستش تا قبل از این، خیلی موافق حضور در تجمعات نبود و جهاد سه‌نفره‌مان فقط در حد همان کاروان‌های خودرویی پیش‌رفته بود.

رسیدیم به امروز؛ ۶ فروردین ۱۴۰۵. من و حدیث و پدرش میان موجی از آدم‌ها، با صدای «حیدر حیدر» مهدی لیثی، مشت‌مان را بالا برده‌ایم و می‌گوییم به صورت دشمن. آنقدر آدم آمده که خیابان نفس نمی‌کشد؛ هر چند قدم، کسی دنبال همراهانش می‌گردد و صدای پای مردم با صدای شعار و نوحه قاطعی می‌شود. تعداد شهدا زیاد است؛ بیکر خانواده حلما، دختر یک‌ونیم‌ساله، هم میان شهداست. لیثی می‌خواند: «موشک به قلب حیفًا، تقاض اشک حلما.» نام حلما توی این چند روز طوری در شهر پیچیده که هر کس شعار را می‌شنود، بی‌اختیار چشمش خیس می‌شود.

مداح اسم روی تابوت‌های پرچم‌پیچ را می‌خواند. هر اسمی که از پشت تریون خوانده می‌شود، شهر یک‌صدا جواب می‌دهد: «شهید». این صدا وزنی دارد برابر با تمام باری که یک زندگی می‌تواند روی شانه آدم بیندازد. انگار با خون هر شهید، قفلی در دل کسی باز می‌شود؛ قفلی که پشتش نه شکست خوابیده و نه تسلیم. فقط عزم است و مقاومت.

از میدان شهدا تا میدان ساعت، پیکرها را بدرقه می‌کنیم به سمت خانه ابدی‌شان؛ ۲۱ چراغ خفته، ۲۱ قدم مانده در میانه راه، ۲۱ داستانی که وسط قصه نصفه مانده است؛ اما بیشتر که دقت می‌کنم، امروز، چیزی در شهر تغییر کرده است. وزن این همه نام به‌جای خم‌کردن کمر تبریز، قدم‌ها را استوارتر کرده است. شاید معنای واقعی ایستادن

روایت

همین باشد؛ اینکه از دل سنگین‌ترین روزها، بلندترین صداها شنیده شود و امروز، درست وقتی که نام ۲۱ شهید در خیابان‌ها می‌پیچید، تبریز دوباره از نو قد کشید. جمعیت آمده، ۲۱ چراغ را دوباره روشن کردند و از این به بعد، به جای این ۲۱ نفر هم قدم برمی‌دارند و قصه ناتمام‌شان را به پایان می‌رسانند.

فائزه آسایش جاوید

این محله، محله بی تفاوتی نیست

هر شب، سر کوچه، ساعت هفت‌ونیم، منتظر می‌مانیم تا بقیه بیایند و با اتوبوس شهری برویم تا میدان اصلی شهر. بقیه که می‌گویم؛ یعنی مسجدی‌ها و پایگاهی‌ها و هیئت‌ها و هم‌محله‌ای‌ها.

شب اول، همه جمع پانزده نفر هم نمی‌شدیم. سه شب بعد، قرار بر این شد که با واحد، مستقیم نرویم به تجمع مرکز شهر. از همین‌جا راهپیمایی را شروع کنیم و تا ساعت هشت به تجمع میدان شهرداری برسیم. یکی گفت: «تعدادمون خیلی کمه؛ خویبت ندار…»

دیگری گفت: «اشکال نداره؛ از همین تعداد کم شروع می‌کنیم و هرکسی پرچم و عکس و پوسترهایی که توی خونه داره رو ورداره بیاره.» مسئول هیئت، بان‌د و اکورا گذاشت صندوق عقب ماشیش و قبل حرکت، سرود و مداحی‌های پرشور را پلی کرد و بعد، آهسته‌آهسته راه افتاد و ما پشت سرش. میکروفون دست امام جماعت جوان بود و شعار می‌داد و همراهی می‌کردیم. صدای بلندتر بچه‌ها و نوجوان‌ها انرژی جمع را برد بالا. شعارگویان از یک طرف خیابان رد شدیم. عابران پیاده سر جای‌شان ایستادند و با مشت‌های گره‌کرده شعارها را تکرار می‌کردند: «نه سازش، نه پوزش، نبرد با آمریکا. مرگ بر ترامپ شیطان‌صفت. این آخرین کلامه مذاکره حرامه. مرگ بر اسرئیل. مرگ بر فتنه‌گر…» و ده‌ها شعار دیگر. کسبه دو طرف خیابان هم دم مغازه آمدند برای تماشا.

قرار و حرکت تأثیرگذاری بود. همین‌که متوجه می‌شدند محله، خاموش و بی‌خیال نیست جلوی جنایت‌ها و دست‌درازی آمریکا و رژیم صهیونیستی از یک‌طرف؛ و فراخوان براندازها و خرابکارها از طرف دیگر؛ کلسی کار بود. بیشتر راننده‌ها و سرنشین‌ها با تمام وجود شعار می‌دادند و رد می‌شدند. دو سه تا ماشین از دو لاین دست گذاشته بودند روی بوق و می‌خندیدند و چیزی نمی‌گفتند. منظورشان هر چه بود ما به فال نیک گرفتیم و به نفس کارمان ایمان داشتیم و جالب‌تر اینکه عده‌ای خودشان را به ما می‌رساندند و تا میدان و خیابان بعدی شدید حدود پنجاه نفر. همین‌طور تاسره‌اهی بعدی، شدید نزدیک به صد و پنجاه نفر و بعد مثل یک رودخانه رسیدیم به دریای تجمع توی میدان وحدت. تجمع؛ تجمع معمولی نبود، کانون شور و شعور حماسی بود بار جز خوانی‌های حیدری و خیبری و رهبری!

حال همه خوب و کوک بود از این قرار! محله و راسته دوتا خیابان منتهی به مرکز شهر از سکوت درآمده بود.

شب‌های بعد، بنا شد با مسجد محله‌های همسایه، سر قرار خودجوش‌مان باشیم و توی خیابان‌های فرعی دور و برمان، یکی‌یکی راهپیمایی راه بیندازیم و برسیم به مرکز شهر. کوچه‌ها انگار به خودشان آمدند. مردمی که به هر دلیلی توی تجمع مرکز شهر نمی‌رفتند؛ با لباس توخونه‌ای آمدند پشت پنجره و تراس؛ یا شعارها را همراهی می‌کردند یا فیلم می‌گرفتند. گاهی چند جوان چهارده‌پانزده‌ساله موفر فری باگردنبند یوقور و سیگار به‌دست، وسط مسیر، از کنار خیابان، رهبری شعارها را دست می‌گرفتند و

راهپیمایی کنندگان با روی باز «ایول داداش، دمت گرم» به آنها می‌گفتند.

قرار و حرکت تأثیرگذاری بود. ظنین شعارها، حضور مردها و زن‌ها و بچه‌ها، حتی توی شب‌های سرد و بارانی، محله و کوچه و خیابان را بیدارتر کرد. حتی آنهایی که از توی کبابی‌ها و کافه‌ها ته سیگارشان را پرت می‌کردند کف پیاده‌روها، متوجه شدند که این محله، محله بی تفاوتی نیست و از خانه و خیابانش مثل یک مادر محافظت می‌کند.

طاهره‌نورمحمدی

عقاب‌های بی‌خواب

در دنیای ما، گوشی موبایل و گشت‌وگذار در فضای مجازی معنایی ندارد؛ اینجا چشم‌ها نه به صفحه‌های کوچک روشن، که به پهنه تاریک و بی‌کران آسمان دوخته شده است. اگر هم فرصتی باشد، تنها یک سؤال میان بچه‌ها می‌چرخد: «از بیرون چه خبر؟ مردم هنوز کف خیابون هستن یا نه؟»

وقتی خبر می‌رسد که خیابان‌ها شلوغ است، انگار جانی دوباره در رگ‌های خسته خشکیده می‌نشیند زیر لب زمزمه می‌کنند: «الهی فدای این مردم باغیرت بشیم.»

همین خبر کافی است تا خستگی چهل و هشت ساعت بی‌خوابی ممتد از تن پرود، خواب اینجا واژه‌ای غریب است. باید میان غرش کرکننده توپ‌ها و شلیک پدافند چرت بزنی، یا در جان‌پناه‌های نیم‌متری خودت را مجال‌ه کنی. شب‌های پدافند، آمیزه‌ای از وحشت و سرمای استخوان‌سوز است. گاهی هفت لایه پیراهن هم حریف سوزی که از لابه‌لای صخره‌ها می‌وزد نمی‌شود؛ می‌لرزی اما نباید پلک بزنی. باید میان هزاران ستاره و برق ماهواره‌های استارلینک که مدام در حرکت هستند، چشم تیز کنی تا مبادا پهبادی از قلم بیفتد. در این ارتفاع، مرز بین ستاره و خطر، به باریکی یک تار موست.

ماه رمضان بود. وقت افطار، سهم ما یک ظرف کوچک الویه بود، یک پرس قیمه و تنها یک قوطی نوشابه برای دو وعده. گفتند: «یکی را افطار بخورید، آن یکی را برای سحری بگذارید.» یکی از بچه‌ها با خنده‌ای که بوی رفتن می‌داد، گفت: «نوشابه را همین حالا بخوریم؛ شاید تا سحر زنده نماندیم که طعمش را بچشیم. شاید موشک آمد و سفره را با خودش برد…»

نوشابه را با الویه باز کردم. نان لواش را که از پلاستیک در آوردم، در کم‌تر از چند دقیقه در آن هوای خشک و سرد، مثل چوب خشک شد. هنوز لقمه اول کلوگیر مان بود که آژیر قرمز، آسمان را درید. سفره را رها کردیم و به سمت قبضه‌ها دویدیم. یکی خشاب می‌گذاشت، یکی شلیک می‌کرد و دیگری آسمان راوجب‌بوجب می‌پایید.

دو ساعت بعد، وقتی وضعیت سفید شد، با بدن‌هایی کوفته و گرسنه برگشتیم. اما باد، نان‌ها را برده بود و ظرف‌های قیمه و الویه، زیر خروارها شن و خاک ناشی از موج انفجار دفن شده بودند. خواستیم به همان یک جرعه نوشابه پناه ببریم که دوباره فریاد «وضعیت قرمز» بلند شد.

آن شب گذشت، اما بعضی از بچه‌ها حتی فرصت نکردند همان یک جرعه نوشابه را بنوشند… آنها تشنه رفتند تا آسمان این مردم امن بماند.

بچه‌های پدافند، با شکم گرسنه و چشمانی که از بی‌خوابی می‌سوزد، ایستاده‌اند چون به عشق این مردم نفس می‌کشند. تمام سهم آنها از زندگی، تماشای امنیت خیابان‌هاست. حرف آخرشان هم ساده و باصلا‌بت است:

گر سنگی و تشنگی با ما

بی‌خوابی و خستگی با ما

فدا شدن و پرکشیدن با ما

فقط… «خیابان» با شما

غیر رسمی

دعای شهید؛ آمین شهدا



در آخرین ساعات ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۸؛ در مراسم سی‌امین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، در دیدار آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای، جمعی حضور دارند و رهبر شهیدمان دعا می‌خوانند و بقیه آمین می‌گویند. حاج قاسم سلیمانی، محمد باقری، عبدالرحیم موسوی، حسین سلامی، محمدرضا زاهدی، محمد پاکپور و عزیز نصیرزاده حضور دارند.

پروردگارا! ما را در راه خودت ثابت‌قدم بدار. پروردگارا! روح مطهر امام را، با اولیایش محشور کن. پروردگارا! نصرت خودت را بر ملت ایران نازل کن. پروردگارا! نصرت خودت را بر امت مسلمان نازل کن. فتنه‌انگیزان در دنیای اسلام را خوار و زیون و رسوا و مفتضح بفرما. پروردگارا! به محمد و آگ محمد حاجات این مردم را که در این جلسات ذکر و دعا بر زبان آوردند یا در دل گذراندند، به کرم‌ت و لطف‌ت روا بفرما. پروردگارا! ادعاهای آنها را مستجاب بفرما.

به محمد و آگ محمد دعای مستجاب ولیست و حجتت را شامل حال ما بفرما؛ ما را سربازان او قرار بده و مرگ ما را به شهادت در این راه قرار بده. و شد آنچه را خواسته بودند…

حسن ختام

یا فارس‌الحجاز…

یا بقیه‌الله روز موعود، روز فرا رسیدن عهد ما با شما، روز گرفتن انتقام از ظالم برای خون‌های به ناحق ریخته، کی فرا خواهد رسید؟ آرزوی هر پیر و جوانی، هر کوچک و بزرگی، دیدن چهره نازنین توست. ای کاش می‌شد همچون پرستوهای عاشق، در دل تاریک شب، به سوی روشنائی حضور شما پرواز کرد.

مهربانم! این روزها، روزی است که دل‌های ما مملو از خشم و مقاومت و خونخواهی است و قلب‌های ما دیدار پرچم خونخواهی شما را طلب می‌کند تا بیاید و مقاومت ما به بار بنشیند. این روزها منتظریم تا شیرینی و حلاوت حضورتان، تلخی ایام را از ذهن ما بشوید و پشت سر پرچم‌تان داد‌مظلومان را از بیداد زمانه بگیریم. ما منتظران ظهور شمایم تا بیاید و دل‌های ما را با رجعت آنها که با خون‌شان اسلام را آبیاری کرده‌اند، روشن کنید. در جهانی چنین دردمند و بی‌ترحم که مهربانی و عشق و ایمان را بهایی نیست، منتظریم تا بهای این مقاومت را از نگاه پر لطف شما دریافت کنیم.

امام من! مولای من! بغض ناباور درد در حنجره‌مان زندانی است، اما دعای‌مان کنید تا سربازان‌تان در این جبهه حق و باطل ضربات محکم و خوردکننده بر پیکر ظالمان و حاکمان جور فرود آورند و قلب مظلومان را روشن کنند.

یافارس‌الحجاز از کنار تلخی‌های غیبت عبور کن و دست‌های دعای ما را که برای ظهورت بلند شده، با اجابت پر کن… ما همه چشم به راه تویم…